

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

هویت اجتماعی

(کتاب درسی علوم اجتماعی)

رشته‌های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی – فنی و حرفه‌ای – کاردانش

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

هویت اجتماعی (کتاب درسی علوم اجتماعی) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۳۹۲

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

اصغر اسلامی تنها، علی انتظاری، حمید پارسانیا، حسین سوزنچی، محمدتقی عینی‌زاده، لطیف عیوضی، سید محمدعلی غمامی، نعمت‌الله کرم‌الهی، عبدالحسین کلانتری، محسن لب‌خندق، محمد مهدی ناصری، شهلا باقری، الدوز تبریزی، ربیاه فتحی و فهیمه میرصانع (اعضای شورای برنامه‌ریزی) - شهرام آزادمنش، آریتا بیدقی، فروغ النجمی تیموریان، محمدشرف متولی الموتی و علی نوری (همکاران شورای برنامه‌ریزی)

نصرالله آقاجانی، اصغر اسلامی تنها، حمید پارسانیا، الدوز تبریزی، حسین سوزنچی، مهدی طغیانی، لطیف عیوضی، سید محمدعلی غمامی، نعمت‌الله کرم‌الهی، محسن لب‌خندق، فهیمه میرصانع (اعضای گروه تألیف) - افسانه جنتی طباطبایی (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زند (طراح گرافیک) - مریم کیوان (طراح جلد) - مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا) - سوره سعادتمندی، حسین چراغی، فرشته ارجمند، فاطمه پزشکی و فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۹۲۶۶، ۸۸۳۰، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ نهم ۱۴۰۵

نام کتاب:

پدیدآورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:

شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

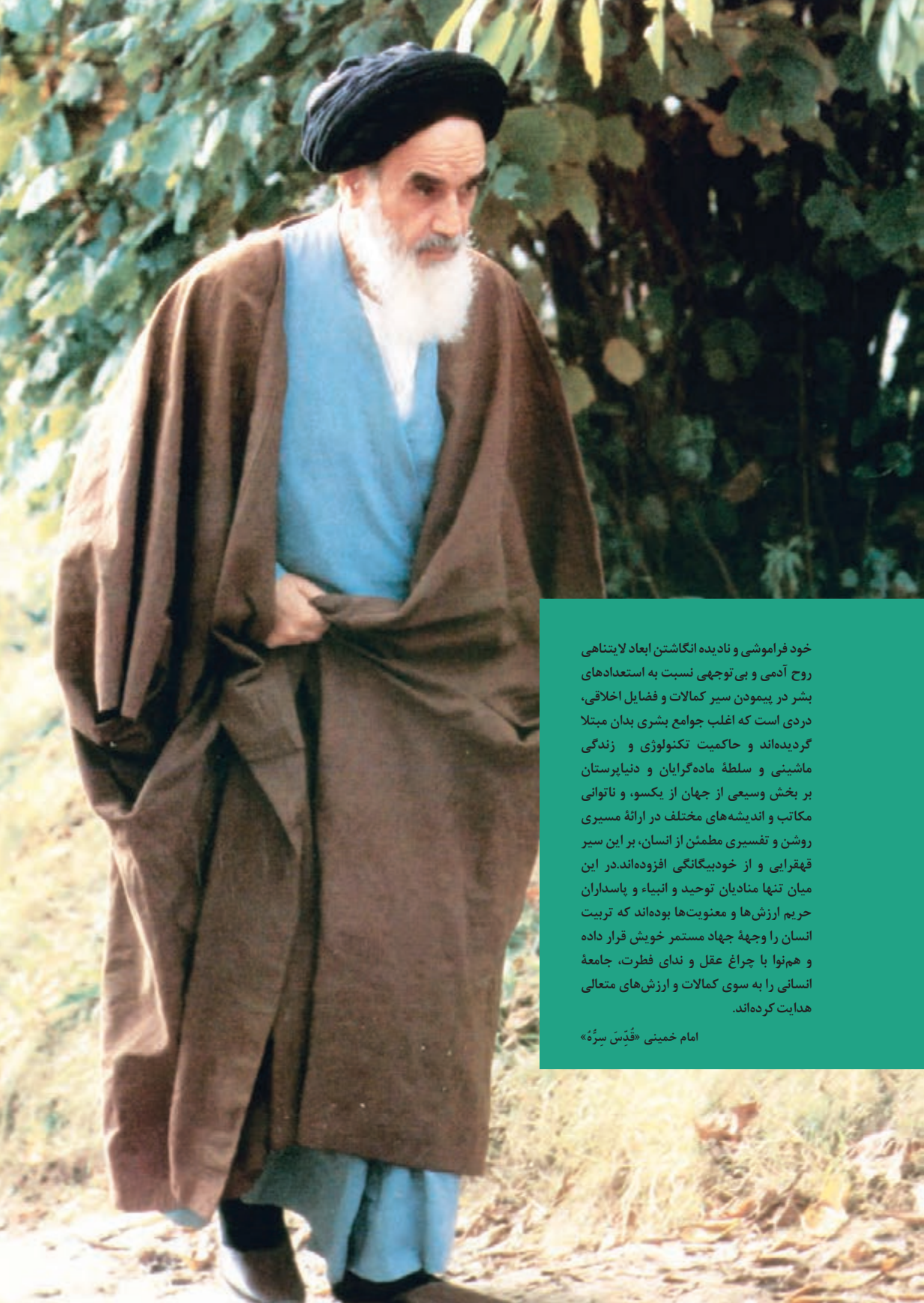
ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۱۱۵-۰

ISBN: 978-964-05-3115-0



خود فراموشی و نادیده انگاشتن ابعاد لایتناهی روح آدمی و بی توجهی نسبت به استعداد های بشر در پیمودن سیر کمالات و فضایل اخلاقی، دردی است که اغلب جوامع بشری بدان مبتلا گردیده اند و حاکمیت تکنولوژی و زندگی ماشینی و سلطه ماده گرایان و دنیا پرستان بر بخش وسیعی از جهان از یکسو، و ناتوانی مکاتب و اندیشه های مختلف در ارائه مسیری روشن و تفسیری مطمئن از انسان، بر این سیر قهقرایی و از خود بیگانگی افزوده اند. در این میان تنها منادیان توحید و انبیاء و پاسداران حریم ارزش ها و معنویت ها بوده اند که تربیت انسان را وجهه جهاد مستمر خویش قرار داده و هم نوا با چراغ عقل و ندای فطرت، جامعه انسانی را به سوی کمالات و ارزش های متعالی هدایت کرده اند.

امام خمینی «قَدِّسَ سرُّهُ»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

اهداف کتاب	۱
■ درس اول: کنش‌های ما	۲
■ درس دوم: پدیده‌های اجتماعی	۸
■ درس سوم: جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)	۱۷
■ درس چهارم: ارزیابی فرهنگ‌ها	۲۵
■ درس پنجم: هویت	۳۴
■ درس ششم: بازتولید هویت اجتماعی	۴۴
■ درس هفتم: تحولات هویتی جامعه	۵۳
■ درس هشتم: بعد فرهنگی هویت ایران	۶۲
■ درس نهم: بعد سیاسی هویت ایران	۷۲
■ درس دهم: ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران	۸۳
■ منابع	۹۲

سخنی با دانش آموز

دانش آموزان عزیز

سلام

مخاطب کتاب علوم اجتماعی پایه دوازدهم، شما عزیزانی هستید که رشته تحصیلی تان علوم انسانی نیست. این کتاب زمینه آشنایی شما با علوم انسانی و اجتماعی را فراهم می کند. علوم انسانی و اجتماعی، خود انسان و زندگی فردی و اجتماعی او را مطالعه می کنند و مسیر شناختن و ساختن خویش، دیگران و جوامع انسانی اند. تحقیق و پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، یاد دادن و یاد گرفتن آنها و استفاده از این علوم در زندگی فردی و اجتماعی، شریک شدن در ساختن هویت خویش و جامعه است. این مهم سبب شد تا موضوع و مسئله اصلی کتاب شما، روایت هویت افراد و جوامع باشد.

کتاب حاضر در ده درس تنظیم شده و بستر مناسبی برای آشنایی شما با مباحث فرهنگ و هویت است. در این دروس می خوانید که انسان ها براساس آگاهی، اراده و برای رسیدن به اهداف، عمل می کنند. آنها در ارتباط با هم فرهنگ های گوناگونی را پدید می آورند که براساس آرمان ها و ارزش های آن فرهنگ ها و همچنین ملاک ها و معیارهای فطری و حقیقی قابل نقد و ارزیابی هستند. سپس با ابعاد مختلف هویت فرد و جامعه آشنا می شوید. در انتها ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی را مطالعه و بررسی می کنید.

برای استفاده مطلوب از کتاب حاضر سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بپرسید و خوب بنویسید. برای کسب این شایستگی ها، بخش های مختلفی در کتاب گنجانده شده است:

■ هر درس، مقدمه ای دارد. این مقدمه ها نشان می دهند که این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش هایی است. پرسش های مطرح شده را با دقت بخوانید و با استفاده از دانسته ها و تجربه های خود به آنها پاسخ دهید. پس از مطالعه درس، پاسخ های اولیه خود را با پاسخ های کتاب مقایسه کنید.

■ در هر درس فعالیت‌هایی با عناوین مختلف مانند «گفت‌وگو کنید»، «نمونه بیاورید»، «مطالعه کنید» و... وجود دارد. این فعالیت‌ها را ضمن مطالعه درس و با هدایت و راهنمایی دبیران محترم علوم اجتماعی انجام دهید تا بتوانید آموخته‌های خود را تحکیم و تثبیت کنید یا به آنها عمق و وسعت ببخشید و برداشت عمیق‌تر و وسیع‌تری از موضوع و مسئله مورد بررسی به‌دست آورید. ■ «بخوانیم و بدانیم» راهی است برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعه بیشتر. چه خوب است به جای مراجعه به کتاب‌های کمک درسی غیر مفید، از کتاب‌های غیر درسی مفید استفاده کنید تا در دانسته‌ها و تجربه‌های دانشمندان و اندیشمندان شریک شوید. «بینیم و بدانیم» نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند. فیلم‌های خوب هم می‌تواند منبعی مفید و مفرح برای کسب دانش باشد.

■ تصویرها، جدول‌ها و نمودارها بخشی از محتوای درس هستند و به شما در یادگیری مطالب و رسیدن به اهداف درس یاری می‌رسانند. از تأمل و دقت در آنها غفلت نکنید.

■ صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفاهیم کلیدی»، «خلاصه کنید» و «آنچه از این درس آموختیم» است. با تکمیل این صفحه می‌توانید مهارت‌های بسیاری کسب نمایید و توانایی‌های خود را ارتقا ببخشید.

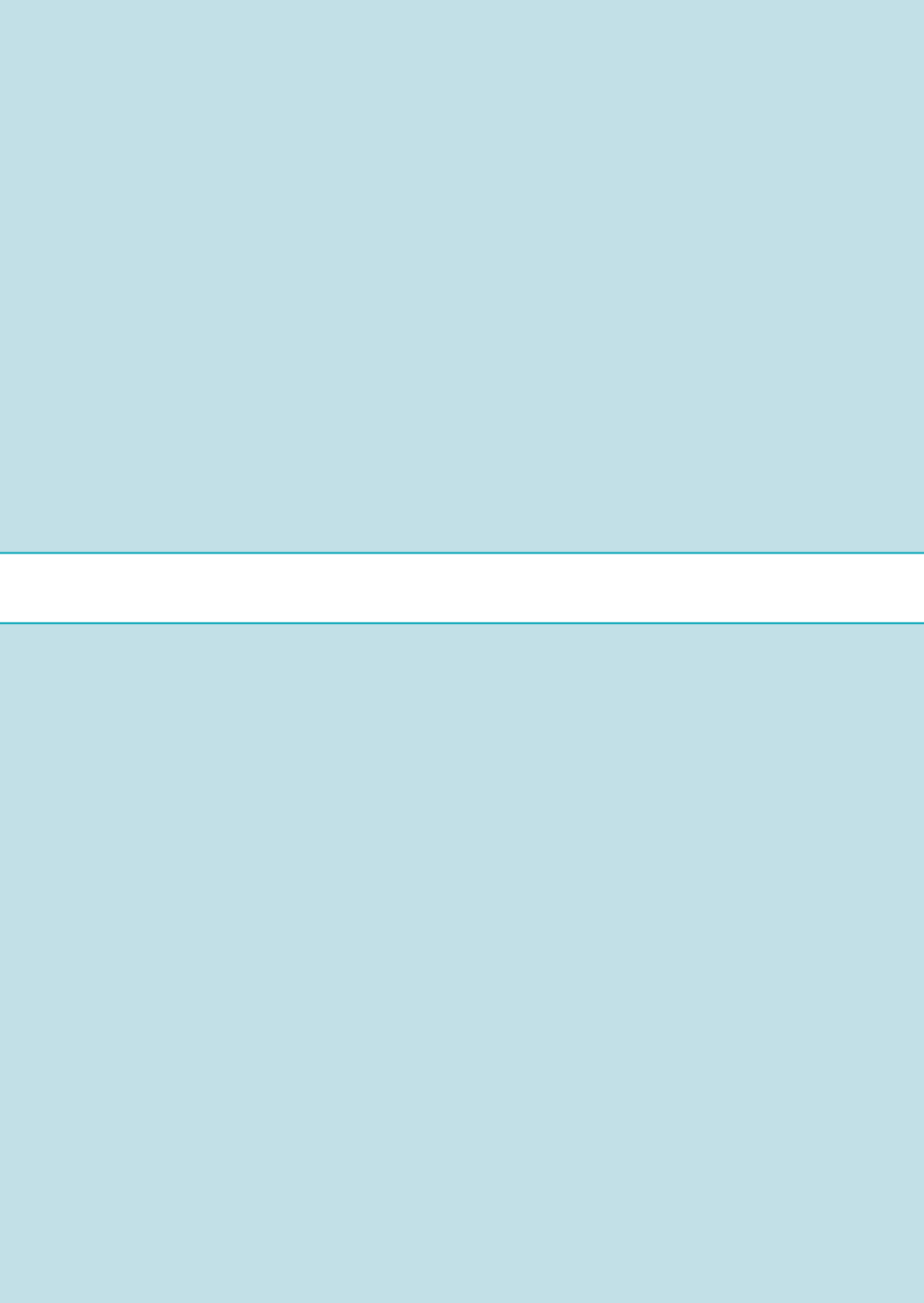
امید است که با استفاده از این کتاب، به اهمیت مباحث مربوط به هویت و فرهنگ پی ببرید. نسبت به سرنوشت هویتی جامعه خود احساس مسئولیت کنید و برای هویت‌یابی مطلوب خود و جامعه تلاش نمایید.

در ارزشیابی پایانی سال (نهایی)، از تصاویر و زیرنویس آنها، عکس نوشته‌ها، پاورقی‌ها، بخوانیم و بدانیم، بینیم و بدانیم، سند پژوهی و آمار و ارقام، امتحان به عمل نمی‌آید.

گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



نظرسنجی کتاب درسی



● اهداف کتاب

انتظار می‌رود دانش‌آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی-یادگیری این کتاب، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. به معناداری کنش آدمی پی‌ببرد، پیامدهای احتمالی کنش‌ها را پیش‌بینی کند و از اثرگذاری اعضای جامعه بر پدیده‌های اجتماعی و همچنین اثرپذیری آنها از این پدیده‌ها آگاهی یابد.
۲. مفاهیم جامعه و فرهنگ را بشناسد، به تفاوت و تنوع جوامع و فرهنگ‌ها پی‌ببرد و فرهنگ‌ها را بر اساس ملاک‌های صحیح، نقد و ارزیابی کند و نسبت به گسترش فرهنگ حق و تحقق آرمان‌های آن احساس مسئولیت نماید.
۳. به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود آگاه شود و برای هویت‌یابی مطلوب تلاش نماید.
۴. نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت فرهنگی جامعه دریابد و فرصت‌ها و محدودیت‌های جوامع مختلف را برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید نقد و ارزیابی کند.
۵. علل درونی و بیرونی تحولات فرهنگی را بشناسد، این تحولات را ارزیابی کند و خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی مسئول بداند.
۶. هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز بداند و برای تداوم و تقویت آن تلاش نماید.
۷. به اهمیت ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایران پی‌ببرد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد کند.



درس اول کنش‌های ما



کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می‌دهند؛

هر ذره که هست، اگر غباری است در پردهٔ مملکت به کاری است

ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها در آسمان حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، قلب می‌تپد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و دانش‌آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می‌کند. به نظر شما، فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت‌های مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده‌روی می‌کنیم، شادی می‌کنیم، مسواک می‌زنیم، درس می‌خوانیم، ورزش می‌کنیم، نقاشی می‌کشیم، نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی مانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار و کنش وجود دارد و برای انجام‌دهندگان این فعالیت‌ها نیز اسمی مختلفی مانند کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما و عامل به کار می‌رود.

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام‌دهندهٔ آن «کنشگر» می‌گویند.

کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می‌کند. به نظر شما، این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

• وقتی برای اولین بار می‌خواهید از کالایی پیچیده مانند دوربین عکاسی یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید. چرا؟

کنش، آگاهانه است؛ یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود. برای مثال، سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این‌رو فردی که از واژگان و دستور یک زبان آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ و آیا افراد در همه موارد به آگاهی موجود در کنش‌هایشان توجه دارند و از آن با خبرند؟

بخوانیم و بدانیم

روزی شخص بزرگی که از آشنایان سقراط بود با هیجان نزد او آمد و گفت: سقراط! می‌دانی درباره یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟

— سقراط پاسخ داد: لحظه‌ای درنگ کن! آیا کاملاً مطمئن آنچه می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

— نه فقط شنیده‌ام.

— سقراط گفت: پس واقعاً نمی‌دانی خبر درست است یا نادرست! آیا آنچه می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی خبر خوبی است؟

— نه برعکس!

— پس می‌خواهی خبر بدهی بگویی که از آن مطمئن نیستی؟ حالا بگو ببینم آنچه می‌خواهی به من بگویی برای من سودمند است؟

فرد پاسخ داد: نه واقعاً...

— سقراط از این پرسش و پاسخ‌ها نتیجه گرفت و گفت: اگر می‌خواهی چیزی را به من بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه سودمند پس اصلاً چرا آن را به من می‌گویی!

• حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری بر سر دوراهی قرار گرفته باشید؛ مثل اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دوراهی، یکی از ویژگی‌های کنش را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟

کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس، برای انجام کنش علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است؛ زیرا ممکن است فردی از کاری آگاه باشد اما تصمیم به انجام آن نگیرد.

کنش‌ها ممکن است با اشتیاق یا با اکراه یا حتی از روی اضطرار و بنا به ضرورتی انجام شوند اما در هر حال، ارادی‌اند. حتی فردی که از خطر می‌گریزد، با اراده‌ی خود این کنش را انجام می‌دهد؛ او می‌توانست بماند، با خطر روبه‌رو شود یا... .

آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

● فردی از میان جمع برمی‌خیزد و پنجره‌ی اتاق را باز می‌کند. اگر از او بپرسید چرا این کار را کردی، چه می‌گوید؟

کنش، هدف‌دار است. پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا انسان فعالیت‌های خود را با قصد و هدف خاصی انجام می‌دهد، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.

آیا انسان‌های مختلف از انجام کنش‌هایشان، هدف‌های یکسانی دارند؟ با توجه به این ویژگی‌ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دستش را بالا می‌آورد، این کار را آگاهانه، ارادی و هدف‌دار انجام می‌دهد و معنای آن اجازه‌خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را بیابد.



■ انسان‌ها در انجام کنش به معنای آن توجه دارند.

گفت‌وگو کنید

● بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره‌ی معناهای مختلف آن با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

● یک رسم رایج در منطقه یا محله زندگی خودتان را بیابید و درباره معانی آن گفت‌وگو کنید.

کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس سپری شده است. همه به درس توجه دارند. ناگهان دانش آموزی درمی زند و اجازه ورود می خواهد. کنش او چه تغییری در کلاس ایجاد می کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفت و گو کنید. آیا می توانید این پیامدها را دسته بندی کنید؟ به نظر شما، شناخت آثار و پیامدهای کنش انسان چه اهمیتی دارد؟

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، آگاهانه و ارادی اند؟ برخی از پیامدهای کنش به اراده انسان ها، یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر، وابسته اند. به همین سبب به آنها «پیامدهای ارادی» می گویند. این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد.

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می کند و در پی آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می دهد؛ ثانیاً استاد، متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می دهد. پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد، پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است که اولی به اراده خود او و دومی به اراده دیگری وابسته است.

فردی سلام می کند. پاسخ دادن یا پاسخ ندادن به او پیامد ارادی کنش او محسوب می شود که به اراده جواب دهنده سلام وابسته است.

اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ یعنی به اراده انسان ها بستگی ندارند. به این پیامدها «پیامدهای غیرارادی» می گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی کنش اند.

وقتی شما پنجره ها را باز می کنید، هوای کلاس عوض می شود. فردی که وضو می گیرد، دست و صورتش پاکیزه می شود.^۱



پیامدهای کنش ■

۱- وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تقرب و نزدیکی به خداوند متعال. (امام رضا علیه السلام)

پیامدهای غیرارادی کنش قطعی هستند؛ یعنی حتماً انجام می‌شوند ولی پیامدهای ارادی کنش احتمالی‌اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند. اگر فرد آنها را اراده کند، انجام می‌شوند و اگر آنها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی‌گیرند. معمولاً انسان‌ها کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آنها انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان، خودداری می‌کنند. چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.

بخوانیم و بدانیم

فردی با اصرار از رسول اکرم ﷺ پندی خواست.
پیامبر ﷺ به او فرمود: «اگر بگویم به کار می‌بندی؟»
آن فرد پاسخ داد: «بله یا رسول الله!»
پیامبر ﷺ سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید، جلب کرد. سپس به او فرمود:
«هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اول در نتیجه و عاقبت آن کار تأمل کن؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر دیدی عاقبتش گمراهی و تباهی است، از تصمیم خود صرف نظر کن.»
آب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز

هم‌اندیشی کنید

- آیه «آدمی در گرو عمل خویش است» (مدثر: ۳۸) را تحلیل کنید.
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هریک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
تندرستی	مورد تحسین و تشویق دیگران قرار گرفتن	ورزشکار حرفه‌ای شدن	ورزش کردن
بیماری	مورد نکوهش و بازخواست دیگران قرار گرفتن	ترک آن یا معتاد شدن به آن	سیگار و قلیان کشیدن
.....			رعایت حیا
.....			کنترل خشم

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

کنش،

خلاصه کنید

یعنی در این قسمت، مفاهیم اساسی را تعریف کنید یا ارتباط آنها را نشان دهید.

— کنش، معنادار است.

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می‌توانید جمله‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید، با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. نوشته‌هایتان را در کلاس بخوانید؛ با راهنمایی دبیرتان، بهترین آنها را انتخاب کنید و با ذکر نام نویسنده، در کتاب خود بنویسید.



درس دوم پدیده‌های اجتماعی



کنش اجتماعی چیست؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس از جابری می‌خیزیم. هنگام سوار شدن به اتوبوس، حق تقدّم را رعایت می‌کنیم و به همدیگر تعارف می‌کنیم. هنگام گفت‌وگو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجّه می‌کنیم. با یکدیگر همکاری یا رقابت می‌کنیم. به دیدار بستگان می‌رویم و جویای احوالشان می‌شویم. به نظر شما ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟

موقعیتی را در نظر بگیرید که به تنهایی مشغول خوردن غذا هستیم؛ دوستی وارد می‌شود. چه تغییری در کنش ما رخ می‌دهد؟ لباس پوشیدن ما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است؛ ما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر می‌گیریم. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی ما به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. منظور از کنش اجتماعی چیست؟



■ کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است.

کنش‌ها انوعی دارند. برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی‌اند. کنش اجتماعی نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب، کنش او اجتماعی است. رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین‌های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است.

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می‌گیرند، کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال، فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنشی اجتماعی انجام داده است؟



■ برخی کنش‌ها در حضور دیگران انجام نمی‌شوند اما اجتماعی‌اند. در مقابل، برخی کنش‌ها با اینکه در حضور دیگران انجام می‌شوند، فردی هستند.

بخوانیم و بدانیم

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای

روزی ابوعلی سینا در خانه‌اش نشسته بود و یکی از کتاب‌های افلاطون، دانشمند یونان باستان را با لذت می‌خواند. او چند سال به دنبال این کتاب گشته بود تا سرانجام آن را به دست آورده بود و عجله داشت تا هرچه زودتر آن را مطالعه کند. هرچه بیشتر می‌خواند لذت بیشتری می‌برد و کنجکاو او برای خواندن مابقی کتاب بیشتر می‌شد. ناگهان در خانه باز شد و یکی از همسایگان وی قدم در خانه گذاشت و با دیدن ابوعلی سینا پرسید: همسایه عزیز چرا تنها نشسته‌ای؟ ابوعلی سینا که رشته افکارش پاره شده بود آهی کشید و گفت: تنها نبودم، الان تنها شدم!



■ دیگری که کنش با توجه به آنها انجام می‌شود، متفاوت‌اند.



■ افطار کنار مزار شهدا، کنشی ناظر به دیگران است.



برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» دقت کنید. دیگران، یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آنها دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند. در اینجا انواع مختلفی از دیگران ذکر شده است. تلاش کنید در رابطه با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غریبه / آشنا

دوست / دشمن

گذشتگان / معاصران / آیندگان

مؤمن / کافر / منافق

با این مثال‌ها، متوجه می‌شوید؛ کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می‌گیرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد. آیا تاکنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟

برای آشنایی با آداب برقراری ارتباط با دیگران، می‌توانید به کتاب مفاتیح‌الحیة اثر آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید.

پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ به نظر شما، این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خردترین (کوچک‌ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن هستند.

مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در اتاقی مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. چنین فردی برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید تا زمانی که او در اتاق حضور دارد، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار). هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است؛ مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران شیوه‌های معینی دارد. ارزش‌های اجتماعی پدیده‌های خواستنی و مطلوبی هستند که مورد توجه و پذیرش‌اند و افراد یک جامعه، به آنها گرایش و تمایل دارند. ارزش‌ها از جنس هدف و مقصودند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش‌ها هستند. اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی‌شوند.

ارزش (هدف)	هنجار (شیوه و روش)
نظم	وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم،
ادب	به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم،
عفت	
حجاب	پوشش شرعی داشته باشیم،
ثروت	
.....	

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های اجتماعی «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی»^۱ را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها را از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به افراد منتقل کنند. افراد نیز با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند. تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ)^۲ به همین طریق شکل می‌گیرند.

۱- با این پدیده‌ها در درس ۶ بیشتر آشنا می‌شوید.

۲- پدیده‌های اجتماعی را می‌توان براساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب می‌توان طیفی را در نظر گرفت که در یک سوی آن پدیده‌های اجتماعی خرد مانند کنش اجتماعی و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان مانند جامعه و فرهنگ قرار می‌گیرند.



■ عقاید، ارزش‌ها و هنجارها از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به افراد منتقل می‌شوند.

پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنا دارند. پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌هایی که آنها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که می‌دانید پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش‌های افراد هستند. ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

بخوانیم و بدانیم

انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می‌آورند. ولی در مواردی خود این پدیده‌ها اصل قرار می‌گیرند و به جای اینکه در خدمت سعادت بشر باشند، انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند؛ مثلاً مراسم عروسی، مقدمه و روش اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است. ولی گاهی خود، جای هدف می‌نشیند و با شرایط سخت، هزینه‌های سنگین و حاشیه‌های فراوانی که به همراه می‌آورد یکی از عوامل تأخیر ازدواج و موانع تشکیل خانواده می‌گردد. شما در مورد سایر پدیده‌های اجتماعی مانند پول و تکنولوژی تأمل کنید.

مقایسه کنید

کوه پدیده‌ای طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسه آنها تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

معیار	کوه	ساختمان اداری
نقش انسان در پیدایش آن		
معنادار بودن		
محسوس بودن		

از «من» تا «ما»؟

به نظر شما از «من بودن» تا «ما شدن» چقدر فاصله است؟ این مسیر، گاهی ساده و سر راست به نظر می آید و گاهی دشوار و پیچیده! خوب است بدانید که این پرسش، یکی از پرسش های مهم علوم اجتماعی است. از آن دسته پرسش هایی که جدا از پاسخی که به آن می دهیم، فهم خود پرسش، بسیار مهم است. برخی در پاسخ به چنین پرسش هایی عجله می کنند و از فهم عمیق پرسش باز می مانند. راستی شما در این مورد چگونه می اندیشید؟

آبی دریا به رنگ آسمان
قطره ها بی رنگ و از دریا جداست
قطره تنها چرا بی رنگ ماند؟
رنگ دریاهای آبی از کجاست؟
قطره تنها به دور از قطره ها
با خود آهنگ جدایی می زند
قطره هایی را که با هم می روند
آسمان رنگ خدایی می زند
این «من و تو» حاصل تفریق ماست
پس تو هم با من بیا تا ما شویم
حاصل جمع تمام قطره ها
می شود دریا، بیا دریا شویم

(قیصر امین پور)

سراسر زندگی اجتماعی می تواند زمینه پیوند انسان ها با یکدیگر و عبور از «من و تو» و تشکیل «ما» باشد. «من» ها درون «ما» حل نمی شوند و از بین نمی روند بلکه «من» ها با «ما» از دایره تنگ و محدود خود فراتر می روند و بزرگ و بزرگوار می شوند. راستی «ما» ها نیز با هم تفاوت دارند. برخی از «ما» ها، در رشد، بالندگی و تعالی انسان ها تأثیر بیشتری دارند. از این رو قرآن کریم می فرماید: همواره در راه نیکی و پرهیزکاری تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری نکنید^۱.

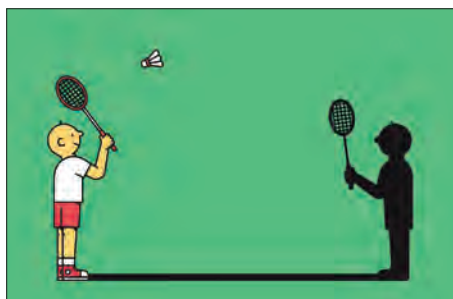
آموختید که کنش های ما انسان ها، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارند. این آثار و پیامدها می توانند کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت باشند. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از زمینه های پیوند میان انسان ها و گذر از «من» به «ما» ست. اکنون در آثار و پیامدهای ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری تأمل کنید.

عزم هر فرد برای ازدواج و تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، در شیوه زندگی خودشان و دیگران مؤثر است، مثلاً در خانواده های تک فرزند، نوع ارتباط، محدود به ارتباط پدر و مادر و فرزند است. در این خانواده ها، معمولاً کودکان در خانه ارتباط با افراد هم سن و سال و

۱- وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. (سوره مائده، آیه ۲)

هم‌نسل‌های خود را نمی‌آموزند. در غالب خانواده‌های تک‌فرزند، والدین، هم انتظار بالایی از فرزند خود دارند و هم پشتیبانی زیادی از او به‌عمل می‌آورند. همین وضعیت می‌تواند کودک را زودرنج و آسیب‌پذیر کند. اما در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند از تمرکز افراطی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و پدر و مادر با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می‌کنند. فرزندان نیز در تعامل با یکدیگر، ارتباط با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها را بهتر یاد می‌گیرند.

به نظر شما خانواده تک‌فرزند چه آثار و پیامدهای تربیتی دیگری برای اعضای خود دارد؟



می‌دانید که گروه‌های کوچک مانند محله، روستا، شهر و... و گروه‌های بزرگ مانند جامعه، کشور و... با وجود فرد فرد اعضا و مشارکت اجتماعی آنها، شکل می‌گیرند و دوام می‌آورند. با بروز کاستی در تعداد افراد چنین گروه‌هایی، کمابیش زندگی و دوام آنها با تهدید روبه‌رو می‌گردد و در مقابل، با افزایش تعداد جمعیت یک قوم و فرهنگ، امکان تأثیرگذاری آن بر سایر فرهنگ‌ها و اقوام افزایش

می‌یابد. به همین دلیل، در هر جامعه‌ای میزان گرایش افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری، از نظر کمی و کیفی اهمیت فراوان دارد. در جامعه‌ای که اغلب خانواده‌های آن، چندفرزندی هستند، با تولد هر نوزاد، نیازهای او به‌عنوان یک عضو جامعه نیز طرح و پیگیری می‌شود. آیا همین پدیده نمی‌تواند زمینه پویایی و بالندگی جامعه را فراهم کند؟

آیا تولد هر نوزاد، نمی‌تواند نویدبخش تولد یک نابغه و پیدایش ایده یا برنامه‌ای نو برای طیف گسترده‌ای از انسان‌ها باشد؟



درباره آثار کَمّی و کیفی عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری بر جامعه گفت و گو کنید.



خلاصه کنید

- کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است.

مفاهیم اساسی

..... پدیدۀ اجتماعی،

آنچه از این درس آموختیم



جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)^۱

درس سوم

از جامعه و فرهنگ چه تصویری دارید؟

شما با دو واژه جامعه و فرهنگ آشنا هستید؛ در گفت‌وگوها از آنها استفاده می‌کنید و معمولاً آنها را با هم به کار می‌برید. به نظر شما بین این دو واژه چه تفاوتی وجود دارد و چه نسبتی باهم دارند؟

وقتی به شهر جدیدی سفر می‌کنید، افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آن شهر بمانید و با آنها زندگی کنید، به تدریج با شیوه زندگی و چگونگی ارتباطات آنها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه و آنچه به تدریج می‌آموزید، فرهنگ است.

۱- جامعه و فرهنگ جدا از یکدیگر نیستند. جامعه و فرهنگ را «جهان اجتماعی» می‌نامند. جامعه را می‌توان به منزله ساخت‌افزار و فرهنگ را به منزله نرم‌افزار آن در نظر گرفت.

«جامعه» به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند. «فرهنگ» شیوه زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند. خوراکی‌ها، پوشش‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، آداب معاشرت، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، شیوه‌های یاددهی و یادگیری، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، نگرش به عالم و آدم و... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.

فرهنگ لایه‌ها و سطوح متفاوتی دارد؛ برخی از این لایه‌ها سطحی‌تر و بیرونی هستند مانند نمادها و هنجارها. ارزش‌ها و عقاید لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ هستند. لایه‌های سطحی امکان تغییر بیشتری دارند. لایه‌های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند و تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و در مقایسه با هنجارها و نمادها اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل، تغییرات اساسی در لایه‌های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می‌کند.



■ آداب و رسوم، بازی‌های محلی، صنایع دستی و خوراکی‌ها از مصادیق فرهنگ‌اند.

جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید. جامعه و فرهنگ را می‌توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد، و فرهنگ همانند جان و روح است.

جوامع مختلف، شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آنها این است که فرهنگ آموختنی است^۱ و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند.

در یک جامعه نیز شیوه زندگی مردم در همه مناطق یکسان نیست.

همه ما ایران را کشور خود می‌دانیم، به زبان فارسی صحبت می‌کنیم، به پرچم و سرود ملی کشورمان احترام می‌گذاریم، عید نوروز را جشن می‌گیریم، از حق و حقیقت دفاع می‌کنیم، راست‌گویی را ارج می‌نهیم، ظلم و بی‌عدالتی را بد می‌شماریم، احترام به بزرگ‌ترها را لازم می‌دانیم و انسان‌های فداکار را تحسین می‌کنیم اما همه ما در سراسر کشور با گویش و لهجه واحدی سخن نمی‌گوییم. مردم هر شهر، خصوصیات اخلاقی و رفتاری ویژه‌ای دارند و هر صنف دارای ارزش‌ها، مقررات، دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است.

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، «فرهنگ عمومی» و بخش‌هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است، «خرده فرهنگ» نامیده می‌شود.



■ بخشی از آداب و رسوم ازدواج و عروسی در میان تمامی اعضای جامعه ما مشترک است ولی مردم مناطق مختلف آداب و رسوم مخصوص به خود را نیز دارند.

خرده فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند. درموردی ممکن است عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های درون یک خرده فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. در این صورت، این خرده فرهنگ را «ضد فرهنگ» می‌نامند. خرده فرهنگ گروه‌هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و... ضد فرهنگ

۱- فرهنگ از طریق وراثت (ژن‌ها) از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

است. خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده فرهنگ موافق می‌گویند. مثل خرده فرهنگ‌های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.



■ خرده فرهنگ اقوام و اصناف مختلف، اغلب خرده فرهنگ موافق و خرده فرهنگ اوباش و گدایان، ضد فرهنگ است.

گفت‌وگو کنید

- وقتی وارد جامعه‌ای می‌شوید چگونه به مسلمان بودن یا مسلمان نبودن آنها پی می‌برید؟ از ویژگی‌های فرهنگ اسلامی چند مورد را نام ببرید.
- بادوستان خود درباره ویژگی‌های فرهنگ عمومی ایرانی-اسلامی و خرده فرهنگ‌های رایج درون این فرهنگ عمومی گفت‌وگو کنید.

ببینیم و بدانیم

مجموعه مستند «برای مهمانی» آیین‌های ماه مبارک رمضان در مناطق مختلف ایران را معرفی می‌کند. با مشاهده هر قسمت از این مجموعه، با خرده فرهنگ‌های رایج در ماه رمضان در یکی از شهرها یا روستاهای ایران آشنا می‌شوید.

جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی) چه الزاماتی دارد؟

آموختید که انسان‌ها با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تداوم آن مشارکت می‌کنند، اما آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرطور که بخواهیم جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگ) را بسازیم یا تغییر دهیم یا اینکه جامعه و فرهنگ پس از آنکه پدید آمد، الزام‌هایی دارد که بر کنش‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

یکی از جامعه‌شناسان (اگوست کنت) معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده است. همچنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان، بیش از آیندگان است. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

ما انسان‌ها در جامعه و فرهنگی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است. جامعه‌ای که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت‌های اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هریک از ما صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان اجتماعی حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.



تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، الزامات آن نیز باقی است. اگر جامعه و فرهنگ موجود تغییر کند و در پی آن الزام‌ها و پیامدهایش برداشته شود، جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می‌گیرد که الزام‌ها و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد. الزام‌ها و پیامدهای هر جامعه و فرهنگی به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها ظاهر می‌شوند. این فرصت‌ها و محدودیت‌ها، کنش‌های ما را امکان‌پذیر می‌سازند و از این طریق زندگی ما را متأثر می‌سازند.

فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه‌ای تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد.

قوانین راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد ولی با وجود این محدودیت‌ها، عمل کردن به آنها فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند توجه کنید. زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. جوامع مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی از جوامع براساس عقاید و ارزش‌هایشان استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

فرهنگ‌ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌شوند:

- به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافعی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. فرهنگ دنیوی همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

فرهنگ جدید غرب^۱، فرهنگ دنیوی است. در این فرهنگ آدمیان در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط بر این عالم گام برمی دارند و دارای اهداف دنیوی هستند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می کنند.

● فرهنگ معنوی، هستی را فراتر از طبیعت می بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهره های آسمانی و ملکوتی پیدا می کند.

فرهنگ معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی از انسان ارائه می دهد، فرهنگ توحیدی است، اما فرهنگ اساطیری، به خداوندگاران و قدرتهای فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.



■ فیلم سینمایی «عصر جدید»، ناامیدی مردم از وضعیت اقتصادی در دوره رکود بزرگ و همچنین، گرفتار شدن آنها در روزمرگی های دنیای مدرن را به تصویر می کشد.



■ ایستگاه فضایی بین المللی، فضایی برای کار، پژوهش و زندگی فضانوردان در مدار نزدیک زمین است. گسترش فناوری از فرصتهای فرهنگ غرب است.

گفت و گو کنید

با راهنمایی دبیر خود، درباره دو فرهنگ متفاوت و فرصت ها و محدودیت هایی که برای بشریت به همراه داشته اند، گفت و گو کنید.

۱- غرب پس از رنسانس یعنی غرب چهارصد سال اخیر را جهان متجدد یا جهان مدرن نیز می نامند که فرهنگ دنیوی دارد.

مفاهیم اساسی

فرهنگ،

خلاصه کنید

— فرهنگ، روح و جان یک جامعه است.

آنچه از این درس آموختیم



ارزیابی فرهنگ‌ها

درس چهارم

منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند؛ اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، آزادی، عدالت، امنیت، عزت و پیشرفت، دفاع از مظلومان و...
وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند، ولی آیا مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعه خود عمل می‌کنند؟

انسان‌ها اغلب خدمت به هم‌نوعان، رعایت مقررات، احترام به پدر و مادر، راستگویی و امانت‌داری را خوب و پسندیده می‌دانند و خیانت، دروغ‌گویی، ظلم، رشوه و دزدی را ناپسند و ناروا می‌شمارند. به نظر شما، آیا مردم همواره مطابق آنچه خوب می‌دانند، عمل می‌کنند یا گاهی برخی رفتارهایشان برخلاف ارزش‌ها و هنجارهایی است که از آنها طرف‌داری می‌کنند؟ ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی»^۱ نامیده می‌شود. آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند، «فرهنگ واقعی» نام دارد.

مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند اما اگر مردم به آرمان‌ها و ارزش‌هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می‌شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می‌گیرد.



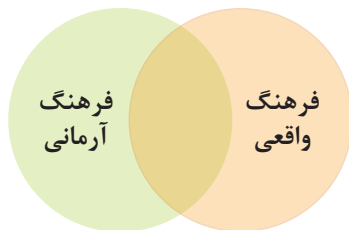
■ محل شهادت رسول حیدری، اولین شهید ایرانی در بوسنی



■ شهید بهروز مرادی و هم‌زمانش در مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر



برنامه‌ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می‌کنند که از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.



۱- آرمان‌ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار فرهنگ است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می‌کنند و برخی هم آن را مراعات نمی‌کنند.

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی آورند. از این رو به پیامدهای آن توجه نمی کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می دهند. این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این گونه خطاب می کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می گوئید که به آن عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است سخنی بگوئید که به آن عمل نمی کنید. خداوند کسانی را دوست می دارد که در صفتی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می کنند» (صف: ۳ و ۴).

نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از فرهنگ واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از فرهنگ واقعی	درون فرهنگ واقعی
ساده‌زیستی	احترام به پدر و مادر
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
.....	

منظور از فرهنگ حق و فرهنگ باطل چیست؟

واقعیت‌های هر جامعه را می‌توان بر اساس آرمان‌های آن ارزیابی کرد؛ اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان فرهنگ واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها و ارزش‌ها درست‌اند تا واقعیات را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها وجود دارد؟ آیا آرمان‌ها و ارزش‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

عقایدی که مردم دربارهٔ انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، هنجارها و سنت‌هایی که با توجه به آنها عمل می‌کنند، سبک‌ها و شیوه‌هایی که برای زندگی انتخاب می‌کنند و تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی نادرست‌اند. بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، «فرهنگ حق» و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، «فرهنگ باطل» است.



■ راهبان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شیطانی از معبد که هر سال هم‌زمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.



■ تقدیس حیوانات در معابد هندوستان

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان‌ها و مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند.

شرک، ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دنیاپرستی از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از عقاید و ارزش‌های حق و باطل را بیان کنید؟ حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. علوم تجربی توان داوری دربارهٔ فنون و روش‌های اجرایی را دارند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن شیوهٔ مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت.

حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با روش‌ها و علوم تجربی شناخت. عقل و وحی دو ابزار مهم شناختِ عقاید و ارزش‌ها هستند و علمی که از این دو ابزار بهره می‌گیرند، می‌توانند دربارهٔ حق یا باطل بودن فرهنگ‌های مختلف داوری کنند.

در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش‌های مناسب خود شناخته می‌شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس می‌شناسد، اما امور غیرطبیعی، محسوس نیستند و نمی‌توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد؛ از این‌رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می‌شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی (تجربی) و شناخت عقلی، از شناخت شهودی نیز بهره می‌برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی‌آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال به غم و شادی درون خود یا محبت و نفرت نسبت به دیگران پی می‌بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می‌خواند و به حس نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می‌کند.

در دوره‌ای عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که روش حسی و تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آنها با این ادعا به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند علمی تلقی کردند. این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد. یکی از چالش‌ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما برخلاف اصول اولیه آن باشد، ما تجربه خودمان را نادرست می‌دانیم نه آنچه علم ریاضی می‌گوید؛ مثلاً هزار نفر با نقاله، زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همه آنها را خطا می‌دانیم. علوم اجتماعی همواره از حس، عقل و وحی برای شناخت حقایق و وقایع اجتماعی و تاریخی بهره می‌برد. تمامی پدیده‌های انسانی و اجتماعی معنا دارند و از بعد معنایی و ذهنی برخوردارند ولی تمامی پدیده‌های انسانی و اجتماعی بعد محسوس و عینی ندارند تا صرفاً با روش حسی و تجربی شناخته شوند. از این‌رو این علوم وقتی از آغاز و انجام زندگی انسان با ارزش‌ها و آرمان‌های او مانند عدالت، مسئولیت، آزادی و... سخن می‌گویند، از روش‌های عقلانی و وحیانی بهره می‌برند.

مقایسه فواید علوم انسانی و اجتماعی با علوم طبیعی

فواید علوم طبیعی	فواید علوم انسانی و اجتماعی
- شناخت طبیعت و قوانین آن - پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت - رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت	- شناخت و فهم معانی کنش‌ها و پیامدهای آنها - شناسایی عوامل مؤثر بر کنش‌ها - پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آنها برای پیشگیری - شناخت فضیلت، عدالت، سعادت، داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها - رهاسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌ها - نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و ابزاری

غربی‌ها در مراسم تشییع جنازهٔ نزدیکانشان اشک نمی‌ریزند؛ اندوه خود را پنهان می‌کنند و اگر گریه‌شان بگیرد، دور از چشم دیگران گریه می‌کنند اما مراسم را باشکوه برگزار می‌کنند. مرده را در تابوتی گران‌بها می‌گذارند، لباس‌های رسمی به او می‌پوشانند و دفنش می‌کنند. برعکس، ایرانی‌ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می‌کنند و ابداً حزن و اندوه خود را پنهان نمی‌کنند و مرده را بدون لباس‌های فاخر به خاک می‌سپارند.

غربی‌ها خیلی سرد و بی‌احساس‌اند یا ایرانی‌ها بیش از حد ضعیف و احساساتی هستند؟ گاهی ما سایر فرهنگ‌ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می‌کنیم. جامعه‌شناسان این کار را اشتباه می‌دانند. به نظر آنها هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود، معنا و کارکردی دارد؛ بنابراین، درست و علمی نیست که ما فرهنگ دیگران را با توجه به فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. نظر جامعه‌شناسان تا اینجا صحیح است. اینکه ما بگوییم غربی‌ها سرد و بی‌احساس‌اند چون در مراسم سوگواری گریه نمی‌کنند یا آنها بگویند که ایرانی‌ها ضعیف و احساساتی‌اند چون بسیار برای مردگان خود می‌گیرند، هیچ کدام قضاوت‌های صحیحی نیستند. اما باید توجه داشته باشیم که این بدان معنا نیست که امکان مقایسه و ارزیابی فرهنگ‌ها و داوری علمی و عقلانی دربارهٔ آنها وجود ندارد. ما می‌توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ‌های دیگر را بر اساس فرهنگ حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به فرهنگ حق یا دوری از آن را مشخص نماییم. برای مثال، اگر پرخوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما به عنوان یک فرد بیرونی می‌توانیم ضررهای آن را گوشزد کنیم. اگر ضرب و شتم داماد و عروس در مراسم عروسی از رسوم رایج در جامعه‌ای باشد، ما می‌توانیم دربارهٔ نادرست بودن آن اظهار نظر نماییم. اگر جامعه‌ای عدالت را از یاد برده و به بی‌عدالتی عادت کرده باشد، می‌توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم، نقد کنیم و خطرات آن را متذکر شویم و.... فرهنگ حق معیار ارزیابی همهٔ فرهنگ‌هاست.



■ در جشن هالووین، حیاط برخی خانه‌ها و مکان‌های عمومی با پیکره‌ها و اشیایی ترسناک مانند جادوگر، اسکلت، روح یا سنگ قبر تزیین می‌شود.



■ سیاه کردن عروس و داماد پیش از عروسی در روستاهای اسکاتلند اجرا می‌شود. در این رسم بستگان و دوستان، چیزهایی را که با آنها بتوان عروس و داماد را کثیف کرد به طرفشان پرتاب می‌کنند.

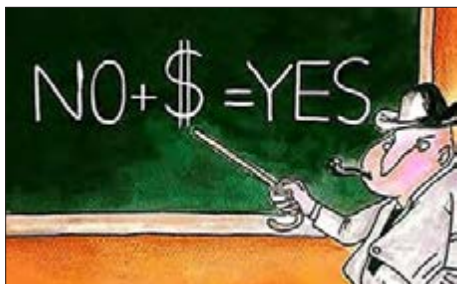
برخی حق یا باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف وابسته می‌دانند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها به تمایلات افراد وابسته است؟ آیا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ می‌دانیم فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه‌ای تغییر می‌کند (مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد) و همچنین از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه هستند؟ حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود. نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، پول‌پرستی و شرک از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند و باطل بودن آنها با نوع مواجهه جوامع مختلف، دگرگون نمی‌شود.



■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.



■ جوانان سیاه پوست به طور متوسط پیش از همسالان سفید پوست خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد پرس‌وجو قرار می‌گیرند.



■ دیوار حائل بتونی در کرانهٔ باختری و نقاشی‌هایی که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

توحید، آزادی انسان‌ها از همهٔ بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همهٔ انسان‌ها، از عقاید و ارزش‌های حق‌اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی‌کند.

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند و با عمل کردن براساس این عقاید و ارزش‌ها، آنها را به فرهنگ واقعی‌شان وارد می‌نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و مطابق با آن عمل نکنند به سوی باطل گام برمی‌دارند. بنابراین، حقایق ثابت‌اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییرپذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. همان‌گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد. جوامع می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند اما حق و باطل بر اساس گزینش آنها تغییر نمی‌کنند.

نمونه بیاورید

- سه نمونه از آرمان‌های حق را نام ببرید که در اغلب یا همهٔ فرهنگ‌ها یافت می‌شوند. به نظر شما به چه دلیل این آرمان‌ها در اکثر فرهنگ‌ها وجود دارند؟

آرمان حق				
.....			راست‌گویی	وفای به عهد

- آیا می‌توانید برخی پدیده‌های باطلی را که در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی فرهنگ‌ها وجود دارند، شناسایی کنید؟

.....		قبیله‌گرایی	تکاثر (مال‌اندوزی)
-------	-------	-------------	--------------------

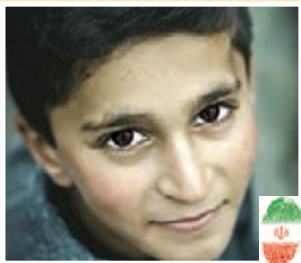
مفاهیم اساسی

فرهنگ حق،

خلاصه کنید

—فرهنگ حق معیار ارزیابی همهٔ فرهنگ‌هاست.

آنچه از این درس آموختیم



درس پنجم هویت



در مورد هویت چه می‌دانید؟

نقل است که ملّاتصرالدین می‌خواست به شهر غریبی سفر کند. همسر ملّا پیش از سفر، آویزی بر گردنش آویخت که نامش بر آن نوشته شده بود تا مبدا هویتش را فراموش نکند. ملّا پس از ورود به آن شهر، شب نخست در یک کاروانسرا بیتوته کرد. خواب که بود، شوخی، آویز را از گردنش در آورد و به گردن خود آویخت. صبح روز بعد، ملّا پس از دیدن آویز در گردن آن شوخ فریاد زد: «چنین می‌نماید که تو من هستی. ولی اگر تو من هستی، پس من کیستم؟»

شاید این سردرگمی ملّا مسخره به نظر آید ولی بر مهم‌ترین مسئله بشری اشاره می‌کند که همان هویت است.

(فرهنگ و هویت، چارلز لیندولم)

افراد در موقعیت‌های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می‌شوند یا از خودشان می‌پرسند به‌راستی «من کیستم؟». آنها در پاسخ به این پرسش خودشان را معرفی می‌کنند و ممکن است در معرفی خود به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره کنند: نوجوان، متولد هشتم آبان ۸۳، مؤمن، گندمگون، ورزشکار، وقت‌شناس، صبور، راستگو، ایرانی و.... آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می‌شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز می‌گردد، «هویت» فرد را تشکیل می‌دهد.

آیا هویت‌مان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم (انتسابی)؛ اما بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم (اکتسابی). بعضی ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردنشان نقشی نداریم اما با تلاش می‌توانیم آنها را تغییر دهیم؛ مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می‌شود و ما در طول زندگی، می‌توانیم آن را تغییر دهیم.

آیا هویت‌مان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع علم، قدرت و ثروت اوست، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند؛ مانند زمان و مکان تولد.

هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم‌سواد، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلاً ما فقط با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ درحالی‌که زرنگی یا تنبلی و صبوری یا زودرنجی ویژگی‌های فردی ما هستند.

بخوانیم و بدانیم

گفته‌اند یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).

و خداوند تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلاگشت و علم وی سبب نجات، تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.

(کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، رشیدالدین میبدی)



■ هویت فردی



■ هویت اجتماعی

نمونه بیاورید

در جدول زیر چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

ویژگی‌های من	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
راستگو	✓		✓			✓
...						
...						
...						

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین، هویت انسان سه بعد دارد:

– بُعد جسمانی (بدن)

– بُعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های اخلاقی و روانی)

– بُعد اجتماعی (نقش‌ها و عضویت فرد در جامعه).

آیا می‌توانید برای هر کدام از این ابعاد، نمونه بیاورید؟ آیا میان این سه بُعد ارتباطی وجود دارد؟



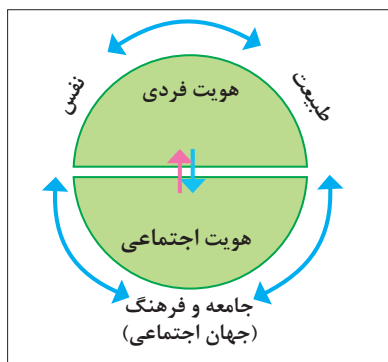
■ برای هر کاری که نیت و ارادهٔ آدمی در انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود. (امام صادق علیه السلام)

■ زهرا نعمتی، دارنده طلای پارالمپیک و نخستین زن ورزشکار ایرانی که در کنار ورزشکاران غیر معلول، جواز رقابت در المپیک را کسب کرد.

سه بُعد هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعامل یا ارتباط متقابل و دو سویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ بدن ما مجرای ارتباط ما با طبیعت و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جامعه و بخشی از آن به حساب می‌آید.

آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟

- ترشح بیش از اندازهٔ غدهٔ تیروئید موجب عصبانی شدن انسان‌ها می‌شود.
- برخی بیماری‌های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می‌شوند.
- یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می‌دهد. (امام خمینی رهبر)
- جوان مؤمن امیدوارِ پرتلاشِ پُرانگیزهٔ دانش دوست، موفق خواهد شد.
- شرافت و وقار و سلحشوری از ویژگی‌های صحرانشینان است.^۱
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات می‌شود.

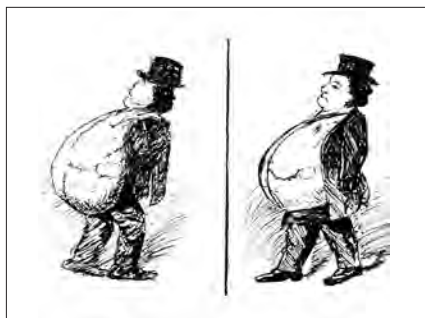


تا اینجا با ابعاد مختلف هویت و تعامل آنها با یکدیگر آشنا شدید. ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی ما چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

۱- ابن خلدون در کتاب «مقدمه»، در بیان تفاوت میان شهرنشینان و بادیه‌نشینان، چنین صفاتی را برای صحرانشینان برشمرده است.

هویت هر جامعه‌ای، براساس عقاید و ارزش‌های آن جامعه شکل می‌گیرد و هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند.

هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی آنها وابسته است.

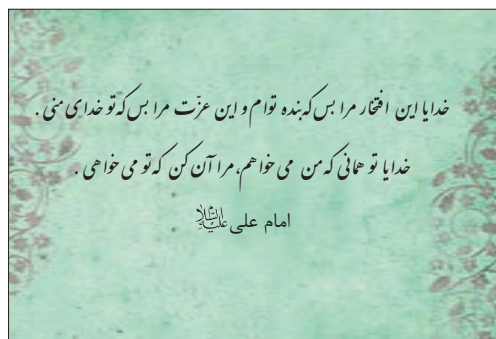


■ دارا یا ندار بودن؛ مهم‌ترین ویژگی افراد در جامعه سرمایه‌داری



■ رعیت‌های یک زمین‌دار (فئودال) انگلیسی در حال برداشت گندم

در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی تعیین می‌شود که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، عدالت و علم ارزیابی می‌کند.



هر جامعه‌ای با توجه به عقاید و ارزش‌هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می‌کند. برای مثال، فرهنگ سکولار با بعضی ویژگی‌های اخلاقی سازگار است که در ارتباط با عقاید و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند، مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، فرصت‌طلبی، انضباط، تجمل‌گرایی، تفریح، رفاه‌طلبی و مال‌اندوزی. در مقابل با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی شکل گرفته باشند، مانند قناعت،

حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی و توکل سازگار نیست. هر جامعه‌ای براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب و ارزش‌های آن به‌گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می‌داند. انسان در این فرهنگ هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در فرهنگ اسلام انسان به عنوان خلیفه خداوند وظیفه عمران و آبادانی طبیعت را به‌عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد برخلاف اراده حکیمانه الهی در جهان طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.

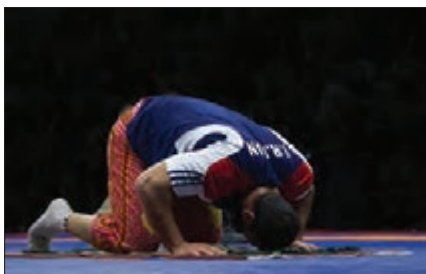


■ برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی هویت حکایت می‌کند.

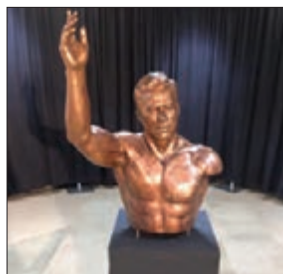
■ مسابقات سالانه «مسترالمپیا» یکی از مهم‌ترین مسابقات نمایشی است که با فیگور گرفتن روی استیج (صحنه نمایش) انجام می‌پذیرد. از پایان قرن ۱۹ جریان فکری با رویکردی اساطیری شکل گرفت که زیبایی و تناسب اندام عاملی برای ستایش و تمجید قلمداد می‌شد.

مقایسه کنید

به کمک دبیر خود، اخلاق ورزشکاران فرهنگ اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشکاران فرهنگ سکولار (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید.



■ پهن کردن سجاده بر روی تشک کشتی و به جا آوردن نماز شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آیینی کشتی پهلوانی است.



■ تندیس غلامرضا تختی در موزه «اساما» آمریکا که در آن با یک دست نشان داده شده تا یادآور مبارزه جوانمردانه او باشد. وقتی تختی متوجه شد پای مدوید آسیب‌دیده، هرگز به سمت پای مصدوم حریف نرفت.



مجموعه مستند «بر سکوی افتخار» روایت زندگی شهدای ورزشکار است. برای آشنایی بیشتر با اخلاق پهلوانی، قسمتی از این مجموعه با عنوان «پهلوان کوچولو» را که در آن شهید سعید طوقانی معرفی شده، ببینید.

■ شهید طوقانی که در عملیات بدر موفق به کسب مدال جاویدان شهادت می شود.

خود آگاهی یا ناخود آگاهی؟



گفت چون سقراط در نزع اوفتاد^۱
بود شاگردیش، گفت ای اوستاد
چون کفن سازیم تن پاکت کنیم
در کدامین جای در خاکت کنیم
گفت گر تو باز یابیم ای غلام
دفن کن هر جا که خواهی والسلام
من چو خود را زنده در عمری دراز
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز
(عطار)

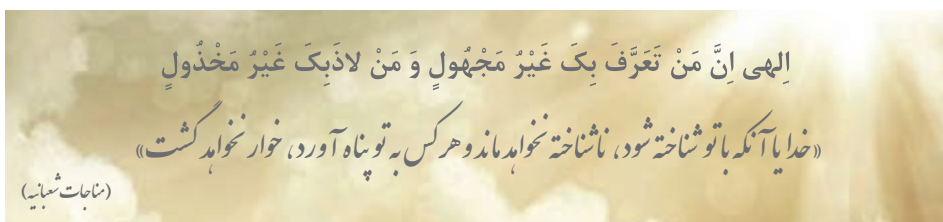
به نظر شما افراد و گروه‌ها چقدر خود را می‌شناسند؟ شما چقدر خود را می‌شناسید؟ برای شناخت بیشتر و بهتر خود چه راه‌هایی وجود دارد؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی خود ما آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و آن را برایمان بازگو می‌کنند اما بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. ما معمولاً علاقه‌مندیم که خود را به درستی بشناسیم. به همین سبب، گاهی درباره ویژگی‌های خود که به آنها واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت بیشتر و بهتر خود از دیگران کمک می‌گیریم؛ مثلاً از والدین و دوستان درباره ضعف‌ها و قوت‌هایمان سؤال می‌کنیم. نزد مشاور، روان‌شناس و روان‌کاو می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند و نظراتی ارائه می‌دهند.

۱- در حال جان‌کندن و مردن بود.

فیلسوفان هم بحث‌های گسترده‌ای دربارهٔ هویت دارند که می‌تواند به شناخت ما از خودمان کمک کند.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز دربارهٔ بُعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها و همچنین غفلت و فراموشی آنها از خویشتن سخن گفته‌اند.



ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می‌شویم. وجود نظرات متفاوت دربارهٔ هویت، نشانهٔ این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

مباحثه کنید

با توجه به مباحث گفته شده دربارهٔ تعامل و تناسب ابعاد مختلف هویت فردی و اجتماعی، پدیده‌های زیر را تشریح کنید.

– رواج شدید عمل‌های زیبایی در ایران؛ آیا تمامی عمل‌های زیبایی برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای دینی جامعهٔ ایران است؟ آیا عمل‌ها، بسط ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ غرب نیست؟

– رواج ارزش‌های دنیوی از قبیل فردگرایی، تجمل‌گرایی، مال‌اندوزی و ... در کشورهای اسلامی

– هزینه پنداشتن فرزندان و کاهش مولید در کشور

– آسیب‌ها و مسائل زیست‌محیطی تولید شده به وسیله مردم و سازمان‌های عمومی و دولتی در ایران

– خروج آمریکا از پیمان پاریس (کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای)

– حمایت مردم و دولت ایران از مظلومان جهان

– وقوع جنبش‌های زیست‌محیطی در کشورهای غربی و تصویب قوانین سخت‌گیرانه در دفاع از محیط زیست و پدید آمدن تکنولوژی‌های سبز و صدور کارخانه‌ها و صنایع سنگین این کشورها به سایر جوامع

– حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی و برخی از دولت‌های اسلامی از رژیم اشغالگر قدس

در مقابلِ هویتِ اسلامی

شاه ایران، با اینکه پادشاه یک کشور اسلامی بود و خود را مسلمان معرفی می کرد، اما با کشورهای همکار می کرد که با مسلمانان دشمنی دیرینه داشتند و هویت اسلامی سرزمین فلسطین و بیت المقدس و مسجدالاقصی را نفی می کردند.

به طور مثال، رژیم صهیونیستی که سرزمین فلسطین را اشغال کرد و صدها هزار فلسطینی را از خانه شان آواره ساخت و بسیاری از زنان و مردان و کودکان را کشت، رابطه ای صمیمانه و مخفیانه با محمدرضا شاه داشت. کمک های محمدرضا به این رژیم چنان مؤثر بود که سرنگونی وی ضربه سنگینی بر رژیم صهیونیستی وارد کرد. گزارش خیلی محرمانه کارشناس آمریکایی که برای وزارت خارجه خودشان تهیه شده، بیانگر این حقیقت است:

خیلی محرمانه

تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ دی ۱۳۵۷)

اسرائیل و تحولات ایران

۱- ... اسرائیلی ها با حالت بهت زده و هراسناکی سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده اند. انتظار می رود که انقراض رژیم شاه تعصب گرایی اسلامی نوظهور را در خاورمیانه تقویت نماید که به طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می گذارد، هشتاد هزار یهودی ایرانی را در معرض خطر قرار می دهد و سپس ثبات منطقه ای را که در پی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سال های آتی عامل مهمی می باشد، مورد تهدید قرار خواهد داد. فقط تعداد معدودی از افراد تردید دارند که دولت بعدی تهران رابطه اسرائیل با ایران را قطع نماید.

۲- درست مثل همه ما، اسرائیلی ها با حالت بهت زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه، به صورت اصلاح ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش بینی شده اش می باشد. در برخی افراد این شبهه وجود دارد که دولت بعدی تهران به رهبری هر که باشد به اکثر و اگر نه تمام جنبه های رابطه نزدیک و از روی دقت ایجاد شده بین ایران و اسرائیل، پایان می بخشد. از نظر برخی تحلیلگران اسرائیلی فقط یک کودتای نظامی به اسرائیل توانایی می دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد.

۳- برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین اهمیتی سمبلیک برخوردار می باشد. همکاری نظامی و اطلاعاتی پراهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکت های اسرائیلی در پروژه های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته اند که با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به دست آورده اند. از نظر سمبلیک، اسرائیلی ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان نشانه ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی شود، نگر بسته اند. هر چند ایران روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار ننمود ولی دفاتر رابط به عنوان هیئت های نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردند، منتها به صورت بی نام.

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۷، صفحات ۲۵ و ۲۶، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

● چرا اسرائیلی ها از انقلاب اسلامی ایران مبهوت شده بودند؟

● اسرائیل از ارتباطش با ایران، در دوره شاه، چه استفاده هایی می کرد؟

● چرا در این سند، اسلام فعال و عدالت خواه و مخالف آمریکا و اسرائیل «تعصب گرایی اسلامی نوظهور» معرفی می شود؟

مفاهیم اساسی

هویت،

خلاصه کنید

– ابعاد متمایز هویت در تعامل با یکدیگر، متناسب می‌شوند.

آنچه از این درس آموختیم



درس ششم بازتولید هویت اجتماعی^۱



هویت اجتماعی چگونه شکل می گیرد و تداوم می یابد؟

در یک کندوی زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی^۲ وظایف خود را انجام می دهد. آیا انسان ها نیز به صورت غریزی فعالیت های گروهی و جمعی خود را انجام می دهند؟

انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

به نظر شما، انسان ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی می برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می گیرد؟

۱- به معنای انتقال هویت از نسلی به نسل دیگر است به گونه ای که علی رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی های اساسی آن پایدار می ماند و دوام می آورد.

۲- غریزه، کششی درونی در موجود زنده است که آن را به انجام دادن رفتارهای معینی وا می دارد؛ به این معنا که موجود زنده از بدو تولد معلومات و مهارت هایی غیراکتسابی دارد که قابلیت دست کاری و تغییر چندانی ندارد. از این رو خلاقیت و تنوعی در شیوه زندگی آنها به وجود نمی آید.

هر فرد در جامعه‌ای متولد می‌شود که نسل‌های قبل از او آن را ساخته‌اند. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به‌عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد.

هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم، عقاید، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید و ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزد، شیوه زندگی در جامعه را فرامی‌گیرد و به تدریج، با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جامعه‌ای که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، مسجد، مجالس علمی و مذهبی، گروه‌های هم‌سالان و رسانه‌های جمعی از دیگر عوامل آشنایی افراد با جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، «جامعه‌پذیری» می‌گویند.



■ خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل آشنایی افراد با جامعه هستند.

فرایند جامعه‌پذیری همواره با موفقیت همراه نیست و ممکن است برخی افراد به‌طور کامل جامعه‌پذیر نشوند. در آن صورت جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟ ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جامعه برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند و همواره افرادی هستند که از پذیرش عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سرباز می‌زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند، نقشی را که جامعه از آنها انتظار دارد، نمی‌پذیرند و رفتارهایی مخالف انجام می‌دهند.

به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، «کژروی اجتماعی» می‌گویند. آیا می‌توانید چند نمونه کژروی اجتماعی را بیان کنید؟

هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری از کثروی‌های اجتماعی و کنترل آنها، روش‌های «تبلیغ و اقناع»، «تشویق و پاداش» و «تنبيه و مجازات» را به کار می‌گیرد؛ یعنی می‌کوشد تا از طریق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند، به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و کسانی را که دچار کثروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، «کنترل اجتماعی» می‌گویند.



■ غبارروبی، عطرافشانی و گلباران مزار شهدا



■ روز بزرگداشت یاد سربازان و کشته‌شدگان جنگ در فرانسه



■ هر جامعه‌ای با پاداش دادن به افرادی که مطابق ارزش‌هایش و هنجارها عمل می‌کند، و بدین طریق دیگران را هم ترغیب می‌کند که آن عقاید و ارزش‌ها را بپذیرند.



■ استفاده از دوربین‌های نظارتی در چین برای جلوگیری از تقلب. در این کشور، تقلب مجازات زندان به دنبال دارد.

جامعه‌ای که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

امر به معروف و نهی از منکر در متن زندگی اجتماعی در صدر اسلام، مسلمانان هنگام احوال‌پرسی و خداحافظی، سورهٔ عصر را تلاوت و این گونه یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. ابتدا یکی از افراد بخشی از سوره را می‌خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می‌رساند.

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به عصر. که آدمی به راستی در زبان است. مگر آنان که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند.

(عبدالرحمن سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور)

گفت‌وگو کنید

همواره در برخی از مشاغل و اصناف، عده‌ای از افراد هستند که به‌طور کامل و موفق جامعه‌پذیر نمی‌شوند و برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل می‌کنند. کژروی‌های ممکن در برخی از مشاغل و اصناف را نام ببرید و در مورد راه‌های پیشگیری و کنترل آنها باهم گفت‌وگو کنید.

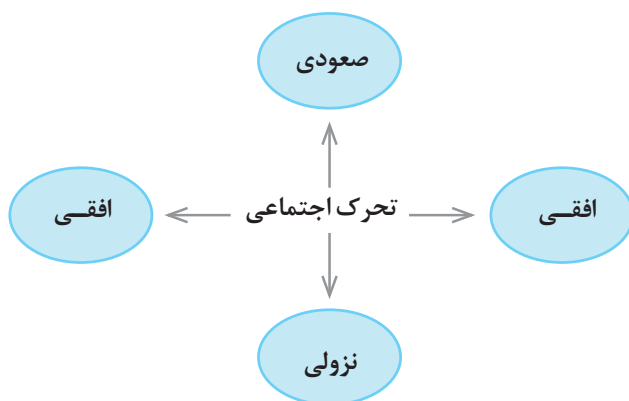
هویت اجتماعی چگونه تغییر می‌کند؟

آموختید که هویت اجتماعی یک فرد ممکن است در طول زندگی او تغییر کند. کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است؛ یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی را تغییر می‌دهد. به‌نظر شما، این تغییرات موقعیتی چه انواعی می‌تواند داشته باشد؟

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به‌صورت انفعالی (خودشان در آن نقشی ندارند) در محیط خانواده و... می‌پذیرند و به تدریج با فعالیت‌هایشان هویت اکتسابی خود را به‌دست می‌آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

به جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر «تحرک اجتماعی» می‌گویند.

تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می‌شود یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است.

مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی پیدا کرده است.

اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد اما شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد؛ مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی مثال‌های دیگری بزنید؟

در همه کشورهای رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد، ولی این رتبه‌بندی در همه جا یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها اهمیت بیشتری دارند و در بعضی از کشورها کم‌اهمیت‌ترند. علاوه بر این، باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟

تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل؛ یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش و گاه در دو نسل؛ یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می‌افتد.

بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوت‌نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت‌نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای

حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می کردند. از جمله آنها «فتوت نامه بنایان» بود که برخی از عبارات‌های آن به این شرح است:

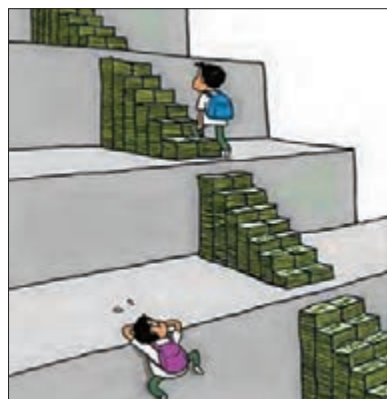
اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را، بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان.

اگر پرسند که چند حکم باشد بنایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، باسقاوت و خیر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید، با همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و ...

برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.



■ این کارگران کارخانه آجرپزی در ایالت بیهار هند در کاست نجس‌ها به دنیا آمده‌اند. وظایف معین و مشخصی توسط جامعه بردوش آنها گذاشته می شود بی آنکه از فرصت‌های تحرکی که نظام‌های طبقاتی به افراد می دهند، برخوردار باشند.



■ جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.

به نظر شما، آیا اعضای یک جامعه می‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟ فرصت‌های پیش‌روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود، برخی تحرک‌های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند؛ برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟



■ طرفداران تبعیض نژادی در قرن بیستم با اعلام اینکه «ما با سیاهان به یک مدرسه نخواهیم رفت» خواستار جدایی نژادی در مدارس شدند.



■ قانون ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس فرانسه، فرصت تحصیل و اشتغال را از زنان مسلمان باحجاب سلب می‌کند و مغایر شعار معروف انقلاب فرانسه «آزادی، برابری و برادری» است.

مثلاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت و اولویت می‌دهد، تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای کسانی که ثروت دارند، ممکن می‌سازد. یک جامعه غیردینی، به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز و ظهور اجتماعی نمی‌دهد. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران باحجاب در برخی جوامع غربی اشاره کرد. در یک جامعه دینی و معنوی نیز هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

در جامعه سرمایه‌داری، مالکیت ثروت همراه با شغل از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل، امروزه شغل اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. در اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلّالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفه‌ها را تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند؛ مانند زراعت. انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب یا سازنده

این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند؛ زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمت می‌کند؛ زیرا مخرب انسان‌اند. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

گفت‌وگو کنید

تغییرات هویتی تا چه زمانی مورد تأیید و تشویق جامعه قرار می‌گیرند و از چه زمانی با مخالفت جامعه و مجازات‌های اجتماعی روبه‌رو می‌شوند؟

ببینیم و بدانیم

مجموعه تلویزیونی «ریشه‌ها» که براساس رمانی به همین نام ساخته شده، وضعیت نابسامان سیاه‌پوستان در ایالات متحده آمریکا را به تصویر می‌کشد. با تماشای این مجموعه، با رنج‌ها و محرومیت‌های سیاهان در دوران برده‌داری و پس از آن آشنا می‌شوید.

مفاهیم اساسی

تحرک اجتماعی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی در جوامع مختلف، یکسان نیست.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



درس هفتم

تحولات هویتی جامعه



تحولات هویتی جامعه چگونه است؟

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست؛ برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما، نتیجه عضویت ما در یک شهر، روستا یا ایل است. هر جامعه‌ای هم هویت خاصی دارد که از آن با عنوان هویت فرهنگی آن جامعه یاد می‌شود. هویت فرهنگی جامعه چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟ هویت فرهنگی جامعه چگونه متحول می‌شود؟

هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد؛ یعنی، هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می‌آید.

هویت فرهنگی جامعه، گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار باشند، مقاومت می‌کند. هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که عقاید و ارزش‌های آن مورد پذیرش اعضای

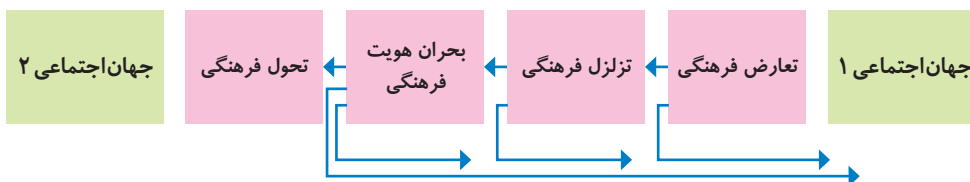
جامعه و برای آنها مهم باشد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.



آموختید که افراد می‌توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند. تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد؛ برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود. اما همیشه این‌گونه نیست.

گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست و شیوه‌هایی از زندگی را به دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است. این وضعیت اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. اگر این وضعیت یعنی شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند. در نتیجه تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هایش دفاع کند و آنها را حفظ نماید. در این صورت، راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌گردد، در این صورت هویت آن متحول می‌شود.^۱ به نظر شما، تحول فرهنگی مثبت است یا منفی؟ آیا راهی برای ارزیابی تحولات فرهنگی وجود دارد؟

۱- این مراحل در جامعه‌شناسی به ترتیب تعارض فرهنگی، تزلزل فرهنگی، بحران هویت فرهنگی و تحول فرهنگی نامیده می‌شوند.



تحولات فرهنگی می‌توانند مثبت یا منفی باشند. اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است، اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

آیا می‌دانید چرا این تحولات رخ می‌دهند؟

علل تحولات فرهنگی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

علل درونی یا به نوآوری‌های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می‌شود، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در فرهنگ جامعه باز می‌گردد. برای مثال، اگر فرهنگ یک جامعه توان پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان‌ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط زندگی را از دست می‌دهد و گرفتار یأس و ناامیدی می‌شود. این کاستی‌ها و بن‌بست‌ها، متفکران و مصلحان اجتماعی را به بازاندیشی در فرهنگ و بنیان‌های عقیدتی و ارزشی آن فرا می‌خواند و زمینه را برای تحولات فرهنگی فراهم می‌کند.



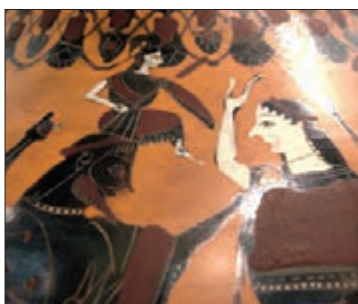
■ برخی فرهنگ‌ها، نیازهای جسمی انسان را نادیده می‌گیرند.

علت بیرونی تحولات فرهنگی، روبه‌رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است، اما آیا هر ارتباطی میان جوامع به تحول فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است. این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. گاهی روابط در محدودهٔ نمادها، هنجارها و گاهی در سطح عقاید و ارزش‌ها است. گاهی ارتباط میان جوامع، زمینهٔ گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می‌آورد و گاهی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود. به نظر شما، چه شکلی از ارتباط میان جوامع، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

■ اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدودهٔ هنجارها و سبک‌های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد؛

جوامع اسلامی در نخستین رویارویی‌ها با جوامع دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداختند و عناصر سازگار با هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند. مثلاً به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند. به تناسب فرهنگ توحیدی خود، در این دانش‌ها دخل و تصرف نمودند اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفتند؛ مثلاً آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم آنها را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن را رها کردند.



■ الهه‌های یونانی، زنوس، آتنا و... در یک اثر نقاشی که داستان تولد آتنا، خدای نگهبان آتن را روایت می‌کند.



■ متن سوگندنامه بقراط، پزشک یونانی که دانش‌آموختگان رشته پزشکی، متعهد می‌شوند به آن وفادار باشند.

■ اگر جامعه‌ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می‌شود.

● اگر این جامعه در مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش‌های جامعه دیگر را بپذیرد، به آن جامعه ملحق می‌شود، مانند مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.



■ قراویین در مراکش قدیمی‌ترین دانشگاهی که مدرک دانشگاهی اعطا می‌کرده است. ابن عربی و ابن خلدون از این دانشگاه فارغ التحصیل شده‌اند.



■ نماز عید قربان در جزیره یوگیاکارتای اندونزی. مسلمانان جنوب شرق آسیا از طریق بازرگانان مسلمان با فرهنگ اسلامی آشنا شدند.

● ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه، هویت جدیدی به دست آورد؛ بدون اینکه عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود؛ مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی، بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام بییوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطا به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند.



■ جمهوری خواهان لائیک فرانسوی در سال ۱۹۰۵ م قانونی را به تصویب مجلس ملی فرانسه رساندند که براساس آن دین از آخرین عرصه‌های حضور اجتماعی خود حذف شد.

■ در تعاملات فرهنگی، اعضای جوامع باید به‌طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبه‌رو شوند. اما اگر اعضای آن، مبهور و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدهند، جامعه آنها دچار «خودباختگی فرهنگی» می‌شود و در این صورت، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد. چنین جامعه‌ای به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد؛ بنابراین، نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه قادر است به جامعه دیگری که شیفته و مبهور آن شده است، ملحق شود؛ از اینجا رانده و از آنجا مانده.



بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهور و مرعوب قدرت سیاسی و اقتصادی غرب شدند و به همین سبب، دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می‌نامند.

■ اقدامات آتاتورک در ترکیه: کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، پخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

از خود بیگانگی فرهنگی چیست؟

معلمی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعهٔ جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی (علیه السلام): «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود».

همهٔ این حالت‌های گم‌شدگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جوامع نیز ممکن است. جوامع چگونه از خود بیگانه می‌شوند؟

در زبان فارسی «بیگانه» در مقابل «خودی» به کار می‌رود، اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود؛ به این وضعیت از خودبیگانگی می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جوامع نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود؛ به دلیل آنکه هویت جوامع را فرهنگ آنها تعیین می‌کند. از خودبیگانگی فرهنگی چه انواعی دارد؟ از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

● اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار «از خودبیگانگی تاریخی» شده است. جامعهٔ خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعهٔ دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار شده است.

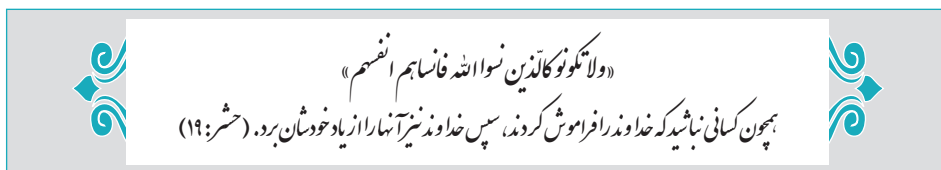
● اگر عقاید و ارزش‌های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار «از خودبیگانگی حقیقی (فطری)»^۱ شده است.

فرهنگ‌هایی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت صحیح از عالم و آدم برسند. در جوامعی که چنین فرهنگی دارند، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که این فرهنگ‌ها از انسان ارائه می‌دهند، نه خود حقیقت بلکه سرابی از حقیقت است؛ به همین سبب، آدمی در چنین جامعه‌ای حتی اگر از رفاه مادی برخوردار باشد، به آرامش نمی‌رسد بلکه به اضطراب و

۱- در صورتی که اعضای یک جامعه، واقعیت‌ها و آرمان‌های جامعهٔ خود را فراموش نکنند و به آن احساس تعلق داشته باشند، آن جامعه دارای «هویت تاریخی» است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن جامعه مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی و فطری» است.

فطرت، مجموعه بینش‌ها و گرایش‌هایی چون حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی دوستی، خلاقیت، عشق و پرستش در آفرینش انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند. خداوند انسان را بر فطرت خویش آفریده است. فطرت آدمی و شکوفایی آن شدت و ضعف می‌پذیرد و امکان انحراف از آن نیز وجود دارد، ولی به‌طور کامل سرکوب و نابود نمی‌گردد.

تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و طغیان برمی‌دارد. از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد. فراموش کردن خداوند سبب می‌شود که انسان خود را نیز فراموش کند.



بر اساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را نه تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.



■ جشن هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتدال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتم اگر چنین نمایشی در شهر منچستر اجرا می‌شد، کارگردانان و هنرپیشگان جان سالم به‌در نمی‌بردند. (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)

■ در ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ هـ.ش، با تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا، گاه‌شماری شاهنشاهی، تقویم رسمی کشور شد. در این مصوبه، مبدأ تقویم از هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج‌گذاری کوروش تغییر یافت.

ببینیم و بدانیم

مجموعه مستند «روزهای سرنوشت»، وقایع شکل‌گیری انقلاب اسلامی را روایت می‌کند. قسمت اول این مجموعه به جشن هنر شیراز پرداخته است.

خودباختگی پهلوی دوم

قانون کاپیتولاسیون (به معنای مصونیت همه اتباع آمریکایی حاضر در ایران از رسیدگی قضایی و واگذاری این حق به نماینده حقوقی آمریکا بود، در حالی که ایرانیان ساکن آمریکا به هیچ وجه از چنین حقی برخوردار نبودند) که تصویب آن با پشتیبانی محکم شاه صورت گرفت. کاملاً در تعارض با استقلال و هویت ایرانی بود. در زمان تصویب، سفیر آمریکا که خوشحال به نظر می‌رسید، به ملاقات شاه می‌رود. سند زیر گزارش خیلی محرمانه سفارت از این ملاقات است:

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ (۲۶ شهریور ۱۳۴۳)

خیلی محرمانه

شاه در ملاقات با سفیر در تاریخ ۱۶ سپتامبر، به نقل از ارسنجانی* گفت لایحه‌ای در مجلس وجود دارد که پرسنل آمریکایی را از کاپیتولاسیون برخوردار خواهد ساخت. ارسنجانی به شاه گفته بود که اگر این قانون توسط مجلسین تصویب شود، شاه تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فوراً سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد رعب و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: نه به هیچ وجه.

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۷، سند شماره ۸، صفحه ۶۰۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

- چرا ارسنجانی گفت اگر این قانون تصویب شود، شاه حکومتش را از دست خواهد داد؟
- چرا شاه می‌خواهد به سفیر آمریکا نشان دهد با اینکه تصویب این قانون خطرهایی دارد، ولی او حاضر به انجام آن است؟

* حسن ارسنجانی از دولتمردان دوره پهلوی دوم بود که مسئولیت وزارت کشاورزی (۱۳۳۹ - ۱۳۴۱) و سفارت ایران در ایتالیا (۱۳۴۲ - ۱۳۴۳)، را عهده‌دار بود.

هم‌اندیشی کنید

از خودبیگانگی حقیقی و تاریخی چه ارتباطی با هم دارند؛ اگر جامعه‌ای به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خود بیگانه نباشد ولی در معنای دیگر از خود بیگانه باشد؟

مفاهیم اساسی

غربزدگی،

خلاصه کنید

– برخی جوامع اسلامی به از خود بیگانگی تاریخی دچار هستند در مقابل جوامع غربی از خود بیگانگی فطری دارند.

آنچه از این درس آموختیم



درس هشتم بعد فرهنگی هویت ایران



هویت ایرانی در گذر زمان چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خود را با ویژگی‌هایی مانند نام، سن، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت‌ها، علایق، هنرها، دانش، خُلق، ایمان و اعتقاد می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها و امت‌ها نیز خود را با ویژگی‌هایی همچون سرزمین، جمعیت، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

جهان سربه‌سر زیر دست من است	ندانی چو ایران نشست من است
ندادند شیر ژیان را به کس	هنر نزد ایرانیان است و بس
به نیکی ندارند از بد هراس	همه یکدلانند یزدان‌شناس
کنام پلنگان و شیران شود	دربغ است ایران که ویران شود
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد	چو ایران نباشد تن من مباد
جهان بر بداندیش، تنگ آوریم	همه روی یکسر به جنگ آوریم
از آن به که کشور به دشمن دهیم	اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
چه نیکوتر از مرگ در کارزار	اگر کُشت خواهد تو را روزگار

فردوسی در این ابیات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می‌کند؟ (فردوسی)

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید.

پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های قومی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های زرتشتی که با باورهای اساطیری درآمیخته بود، مشترک بودند و بر این اساس، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند، به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند و با پذیرش عقاید و ارزش‌های اسلامی، ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

فارسی‌داری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام نیز مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را در نوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام، از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان، گسترش یافت. فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و دیگر حکیمان و شاعران ایرانی خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آنها نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

ما باید برای رواج زبان فارسی در دنیا و گسترش جغرافیای آن تلاش کنیم تا این زبان در موضع قدرت قرار بگیرد و بتواند بخش عظیمی از مدنیت گذشته عالم را که با خود به همراه دارد، به دنیا ارائه دهد.

ملت ما باید به جایی برسد که دانش پژوهان عالم برای اینکه به قله‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند. برای پنجاه سال آینده برنامه ریزی کنید و هدف را این قرار دهید که کشور شما یکی از مراجع عمده و درج اول علمی دنیا بشود؛ به طوری که اگر کسی خواست با تازه‌های دانش آشنا شود، مجبور باشد زبان ملی شما را یاد بگیرد.



جوامع اسلامی، از جمله ایران، در طول تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند. جهان اسلام چگونه با این همه‌ها مقابله کرد؟ مسلمانان در سده‌های مختلف، یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، مهاجمان را دفع کردند و یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند. اما مواجهه فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.



■ به دستور غازان خان شهادتین (لا اله الا الله، محمدرسول الله) بر دوسوی سکه‌ها ضرب شد.



■ غازان خان در حال قرائت قرآن، او هفتمین ایلخان از سلسله ایلخانیان ایران بود که به اسلام روی آورد و اسلام را دین رسمی اعلام کرد.

بخوانیم و بدانیم

مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام افتخارآمیز است هم برای ایران. دین اسلام به حکم محتوای غنی خود ملتی باهوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شبفته خود ساخته است و ملت ایران به حکم روح حقیقت خواه، بی تعصب و فرهنگ دوست خود، بیش از هر ملت دیگری در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. تمدن ایران قبل از اسلام یکی از پایه‌های تمدن اسلامی است. اسلام به تمدن ایران، حیاتی تازه بخشید و تمدن ایران جانی تازه و شکلی تازه گرفت. اسلام توحید را در متعالی‌ترین شکلش به ایرانی و غیرایرانی آموخت. اصل توحید را پایه اصلی قرار داد که علاوه بر مبنای فلسفی خود، محرک و مشوق فکر و اندیشه است. ایرانی در دوره اسلامی نبوغ فکری و علمی خود را در اعلی درجه نشان داد. ایرانیان در تولید علم و فرهنگ در تمدن اسلامی در رشته‌های قرائت و تفسیر، حدیث و روایت، فقه و فقهات، کلام، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، ذوق، احساس، هنر و فن از سرآمدان مسلمانان بودند. ایرانیان در نشر و تبلیغ، در سربازی و فداکاری برای اسلام خدمات بسیار شایانی کرده‌اند؛ خدماتی از روی صمیمیت، اخلاص و ایمان. ایرانیان شریعت اسلام را به کشمیر، هند، چین، جنوب شرق آسیا، آفریقای شرقی و مغرب و شمال آفریقا و از آنجا تا اندلس بردند. ایرانیان چندین برابر جمعیت خود، مردم سایر جوامع را مسلمان کرده‌اند. زبان فارسی بیش از هر چیز دیگری در خدمت اسلام بوده و این خدمات چهارده قرن دوام داشته است.

(خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری)

در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی، جوامع اسلامی را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جوامع اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند. در دیدگاه مستشرقان^۱، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست، بلکه دنیوی است. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی^۲ به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف، نظیر ترک و عرب و فارس، تقسیم می‌کند.



■ تابلو فرش ایرانی با موضوع وحدت مسلمانان که در آن اقوام و ملل مختلف مسلمانان را نشان می‌دهد؛ همگی به سمت خانه کعبه و آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» دست بلند کرده‌اند و بالاتر از پرچم کشورهای مسلمان، آیه «هذا امتكم امّة واحدة» نقش بسته است.

اقوام ایرانی بر لبین آب و خاک دلبرستان، عزت خودشان را در ایران آزاد و سر بلند مشاهده می‌کنند. ملت ایران یکپارچه است. دارای آرمان است. هر قومی از اقوام ایرانی باید در جمت پیشرفت ملی و تحقق آرمان‌های ملی و اسلامی گام بردارد. تنوع اقوام در کشور بزرگ و سرافرازمان یک فرصت است.



۱- مستشرقان یا شرق‌شناسان به جمعی از محققان غربی گفته می‌شود که از منظر فرهنگ غرب و با اهداف و مواضع غربی، جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها را مطالعه می‌کنند.

۲- ناسیونالیسم اندیشه‌ای که دل‌بستگی و تعلق خاطر به ملت و عناصر تشکیل‌دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر به چنین عناصری، آرمان اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود.

متفکران ایرانی از دهه سی شمسی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته شده بود، کتاب‌های متعددی تدوین کردند که غرب‌زدگی (جلال آل احمد)، بازگشت به خویشتن (دکتر علی شریعتی)، خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت (مرتضی مطهری) از جمله آنهاست.

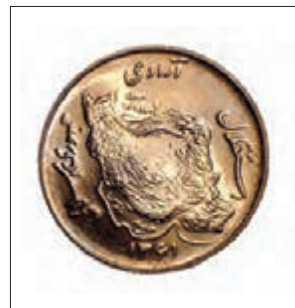
گفت‌وگو کنید

امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند. بدین‌وسیله عقاید، ارزش‌ها و فرهنگ‌های توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی با کمیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصه مهم‌ترین منازعه هویتی می‌شوند.

فضای مجازی چه فرصت‌ها و تنگنایی برای ساماندهی درست این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلی و ملی) منطقه‌ای و جهانی چه تکالیفی داریم؟ شما چه پیشنهادهایی دارید؟

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها درباره انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن است. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند؛ مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایران و ایرانی داشته و تأثیرات هویتی آن بر جهان چه بوده است؟



■ آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه با شعار نان، صلح، زمین به سرنگونی روسیه تزاری و برپایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انجامید. شعار انقلاب فرانسه آزادی، برابری و برادری بود و به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری منجر شد. با انقلاب اسلامی ایران، نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر یافت.

بخوانیم و بدانیم

برقراری روابط پایدار میان اعضای جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد. به همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد، به گونه‌ای که گاه دفاع از آن را تا پای جان وظیفه خود می‌دانند. سرزمین، بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک قرن مقاومت هویت اسلامی - ایرانی جامعه ما در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی رهبر و با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام به هویت اسلامی خود بازگشت؛ تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و از مرزهای جامعه ایمانی خود و در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت، در عرصه‌های مختلف تا امروز ادامه یافته است.

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود، که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به قلب تپنده بیداری اسلامی^۱ تبدیل شد.



اینک جوامع اسلامی دیگر با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می کرد، جست و جو می کنند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی^۲ جدید در جهان ظاهر می شود. انقلاب اسلامی ایران افق های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گشوده و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، دنیوی شدن همه فرهنگ ها را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می دانستند، به تأمل در نظریات پیشین خود و بازبینی آنها فراخوانده است.

۱- بیداری اسلامی، مقاومت هایی به منظور حفظ عزت و استقلال جهان اسلام در برابر نفوذ و سلطه فرهنگ غرب است که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد.

۲- مرکزی که مردم جهان برای پاسخ به پرسش های خود به ویژه پرسش های معرفتی و معنوی به آن رو می آورند.

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلهٔ پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همهٔ وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. شعارهای جهانی و فطری این انقلاب دینی یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها ... انقلاب اسلامی ملت ایران قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با صدام و آمریکا گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.



■ برگرفته از بیانیه
گام دوم انقلاب
رهبر انقلاب اسلامی

شهید قاسم سلیمانی از تربیت‌یافتگان انقلاب اسلامی بود که عمری را به جهاد مخلصانه در راه خدا و دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان گذراند. او از چهره‌های محبوب ایرانیان و آزادی‌خواهان جهان بود که به دستور مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا در کشور عراق به شهادت رسید. وداع مردم عراق و ایران با ایشان که یکی از بزرگ‌ترین بدرقه‌های جهان بود و برگزاری صدها مراسم نکوداشت و راه‌پیمایی‌های اعتراضی و پرخروش در دهه‌ها کشور جهان برای خون‌خواهی و انتقام ایشان، جلوه‌ای باشکوه از امتداد فرهنگی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان بود.





■ با اینکه در هیچ سند بین‌المللی، سطری دربارهٔ تحریم‌های دارویی نوشته نشده است اما در عمل، تحریم‌های دارویی، بیماران خاص ایرانی را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

■ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کشورهای جهان را به دو دسته دارای سلاح هسته‌ای و فاقد این نوع سلاح تقسیم کرد و مطابق آن اعضای دائم شورای امنیت به‌طور رسمی صاحب سلاح هسته‌ای شدند.

تحلیل کنید



حجاب به‌عنوان نماد هویت جوامع اسلامی در صد سال اخیر فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان، حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازهٔ رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئلهٔ کشورهای

اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت فرهنگی جوامع اسلامی تحلیل کنید.

خلاصه کنید

– ایرانیان با مشارکت در حیات فکری جهان اسلام،
زبان فارسی را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند.

مفاهیم اساسی

هویت ایرانی اسلامی انقلابی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

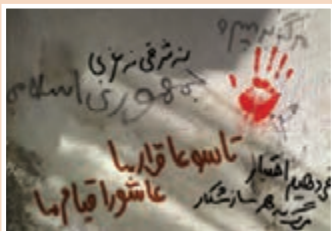
.....

.....

.....

.....

.....



بعد سیاسی هویت ایران

درس نهم



چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

آیا پدیده‌هایی چون شناسنامه، گذرنامه، پرچم، روزها و جشن‌های ملی، مرزهای سیاسی، نیروهای مسلح، جنگ، صلح، سازمان‌ها و ادارات، دادگاه‌ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، روزنامه‌ها، رسانه‌ها، صداوسیما، احزاب و گروه‌های سیاسی، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه، مجلس خبرگان، رهبری، قانون، قانون اساسی، شیوه‌های حکمرانی و... نشانی از هویت جامعه دارند؟ وجه اشتراک این پدیده‌ها چیست؟ هر جامعه علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. به همین دلیل در معرفی هر جامعه از ویژگی‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند. چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

● قدرت و انواع آن

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی هنگامی پدیدار می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

به نظر شما چه راه‌هایی برای تأثیرگذاری بر اراده دیگران وجود دارد؟



■ محمدصلاح، فوتبالیست مصری، آن قدر در میان مردم مصر محبوبیت دارد که در انتخابات ریاست جمهوری بدون اینکه نامزد شود، حدود یک میلیون نفر از مردم به او رأی داده بودند.



در سال ۱۹۸۰ م یک زن چینی به جریمه‌ای معادل ۲۰۰ دلار محکوم شد، چون مطابق قوانین، او اجازه نداشت که با داشتن یک فرزند، دوباره صاحب فرزند شود. علاوه بر این، نام کودک او تا چند سال در اسناد رسمی به ثبت نرسید و کودک از ورود به مدرسه و استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی محروم شد.

■ علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

● قدرت سخت و قدرت نرم

قدرت را می‌توان به قدرت سخت و نرم نیز تقسیم کرد. قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به‌طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می‌شود، اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه‌ها و نهادهای آموزشی اعمال می‌شود.

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطهٔ سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطهٔ فرهنگی می‌شود.

نظام آموزشی کشورها از ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می‌تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز آن کشور را مطابق منافع و اهداف خود تغییر دهد.

در گذشته نبرد بین دولت‌ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می‌گرفت و رسانه‌ها خبر آن را منتشر می‌کردند، اما امروزه نبرد در حوزهٔ فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می‌گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامهٔ جنگ فرهنگی رخ می‌دهد.

امروزه بسیاری از افراد با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترده‌ای در فضای مجازی دارند و گاهی در مقایسه با دولت‌ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی‌ها یعنی ستاره‌های هنری، ورزشی و... از جملهٔ این افراد هستند که در برخی موارد می‌توانند جریان‌ساز شوند.

هنگامی که سلطه به شیوهٔ فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می‌گیرد؛ جامعه‌شناسان از این نوع سلطه به «هژمونی» تعبیر می‌کنند. سلطه هژمونیک از ابزارهای فرهنگی مانند هنر و رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می‌کند. برای نمونه رسانه‌های آمریکایی، اسلام‌هراسی را به‌عنوان شیوه‌ای برای بسط هژمونی آمریکا به‌کار می‌برند، تا مردم جهان را برای مقابله با اسلام راضی و همراه سازند.



■ سلبریتی به معنای ستاره و فرد مشهور است. ستاره‌ها، سلبریتی‌شدن خود را مدیون رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها نیز از طریق آنها درآمدزایی می‌کنند. سلبریتی‌ها گاهی جریان‌ساز شده و جنبش‌هایی به راه می‌اندازند.



■ ادوارد اسنودن اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از برنامه‌های سرّی سیا را فاش کرد. این اطلاعات دربارهٔ جاسوسی از شخصیت‌ها و مردم عادی در مکالمات تلفنی، ایمیل و استفاده از موتورهای جست‌وجوی اینترنت در کشورهای مختلف بود.

قدرت مقبول و قدرت مشروع: قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاردن بر ارادهٔ دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دوصورت ممکن است.

تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، «اقتدار» نامیده می‌شود. به نظر شما قدرتی که دیگران با اکراه از آن تبعیت می‌کنند، تا چه زمانی می‌تواند تداوم داشته باشد؟



■ استالین، در تنهایی جان داد. علی‌رغم تأخیر او برای خروج از اتاق، هیچ‌کس جرئت نداشت در بزند و حالش را بپرسد چون شب قبل گفته بود، کسی مزاحمش نشود. همه می‌ترسیدند اینها نقشه‌ای برای سنجش وفاداری آنها باشد.



■ موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی آلمان در زمان صدراعظمی هیتلر، سخنرانی‌های پرشور او بر ضد پیمان ورسای و ترویج ایدهٔ ملی‌گرایی، باعث محبوبیت هیتلر در میان مردم شد.

دانستید قدرتی که بدون استفاده از تهدید و رضایت تبعیت‌کنندگان به دست می‌آید، مقبولیت دارد، اما مشروع بودن قدرت معنای دیگری دارد.

بنابراین، مدار مقبولیت، خواست و ارادهٔ کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود؛ اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. البته قدرت مشروع نیز انواعی دارد: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند باهم باشند و می‌توانند از یکدیگر جدا باشند.

اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی. هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع شکل می گیرد.

آیا در جامعه‌ای که فرهنگ مردم، فرهنگ دینی است، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟



■ گاندی، رهبر مردم هند در مبارزه با استعمار انگلیس. مردم هند به او لقب ماهاتما (روح بزرگ) و بابو (پدر ملت) داده‌اند.



■ مارتین لوتر کینگ، رهبر پرنفوذ جنبش مدنی سیاهان آمریکا، در سخنرانی مشهور «رؤیایی دارم» از آرزوی خود برای احقاق حقوق سیاهان سخن گفت.



■ رئیس‌علی دلواری، رهبر محبوب مردم تنگستان در قیام علیه استعمار انگلیس. ۱۲ شهریور به نام او روز ملی مبارزه با استعمار نام‌گذاری شده است.

امام خمینی قدس سره تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان انقلابی را انقلاب دوم نامیدند. سفارت آمریکا محل توطئه و جاسوسی علیه انقلاب نوپای ایران اسلامی بود. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ابهت ظاهری و خود ساخته آمریکایی‌ها را در جهان فرو ریخت.



این حرکت به همه ستم‌دیدگان جهان جرئت داد تا برای رهایی خود از سلطه آمریکا دست به کار شوند. آمریکایی‌ها نیز متوجه شدند زمین پس اعمال و رفتارشان بی‌پاسخ نخواهد ماند و با واکنش ملت‌ها روبه‌رو خواهند شد.

پس از تسخیر لانه جاسوسی، هزاران صفحه از اسناد جاسوسی و توطئه آمریکا علیه ملت ایران از داخل سفارتخانه کشف شد که این اسناد هم‌اکنون در قالب ده‌ها جلد کتاب منتشر شده و سندی بر دشمنی و خباثت آمریکا علیه ملت مستقل ایران است.

نمونه‌هایی از دشمنی آمریکا با ملت ایران از زبان خودشان

در اسناد لانه جاسوسی که اسناد محرمانه آمریکایی‌هاست، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها جز به منافع خودشان در ایران نمی‌اندیشیده‌اند و برای رسیدن به این منافع نه تنها از حکومت مستبد پهلوی حمایت می‌کردند، بلکه ابزار لازم برای سرکوب ملت را به آنها می‌دادند و حتی توصیه به سرکوب بیشتر مردم هم می‌کردند.

۲ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۱ آبان ۱۳۵۷)

بحران رو به تزاید ایران

تلاش‌های شاه برای آرام کردن مخالفین خود به شکست انجامیده است. مخالفین به هم می‌پیوندند و از این حرکت سود می‌برند، درحالی که شاه قوه ابتکار را از دست می‌دهد. شاه خودش در مشورت‌هایش با سولیوان، این موضوع را ابراز داشته است که اقدام سریع در خاموش‌سازی این اضطراب لازم است، اما به نظر می‌رسد وی قادر نباشد که تصمیم بگیرد که چه باید کرد؟ شاه تاکنون نتوانسته جز اقدامات ناقص برای اجتناب از تصمیمات سخت، پیش‌بینی چیز دیگری را بنماید...

بدون توجه به چگونگی شکل گرفتن عمل انتقالی، مطمئناً سرکوب‌های کوتاه مدت برای پایان بخشیدن به ناآرامی‌ها ضروری است. این عمل، در هر حال جواب مشکل اساسی نیست، زیرا این سرکوب‌ها حتماً به خشونت‌های وسیع‌تری تبدیل خواهد شد و این عمل کل قدرت را به خطر می‌اندازد و میدان را برای رادیکال‌ها در صحنه سیاسی ایران خالی خواهد گذاشت...

اگر شاه هرچه زودتر حرکت مهمی تا قبل از شروع ماه محرم در تاریخ ۲ دسامبر انجام ندهد، مطمئناً یک سری خشونت‌های جدی به دنبال خواهد آمد. ۱۰ محرم (۱ دسامبر) روز بخصوص باشکوهی برای مسلمانان ایرانی است و شریعت‌مداری و یکی از نخست‌وزیران پیشین اظهار داشتند که کار شاه تا آن وقت تمام خواهد بود... مگر اینکه شاه هرچه زودتر در این مورد اقدام کند. احتمال مداخله نظامی بسیار قوی است. نظم اعمال شده به وسیله ارتش، به طور قطع بیشتر از شش ماه طول نخواهد کشید. اقتصاد هم اکنون خسارت دیده است و مردم عادی ایرانی آموخته‌اند که حتی بدون اسلحه هم می‌توان در قدرت عظیم سیاسی نقش داشت. هیچ راهی وجود ندارد که ارتش با زور بتواند میلیون‌ها ایرانی تازه آگاه شده را با رضایت خودشان برای سرافرازی رژیم پهلوی که به سختی لکه‌دار شده، به سر کار بازگرداند.

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد دوم، سند شماره ۳، صفحه ۱۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

● به نظر شما چرا آمریکایی‌ها به رغم آگاهی از عزم و اراده ملت ایران، سرکوب آنها را به حکومت پهلوی پیشنهاد می‌کردند؟

● توصیف مخفیانه آنها از شاه در شرایط بحرانی حاوی چه نکاتی است؟

● نظام سیاسی و انواع آن

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید، زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

هر جامعه‌ای به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.

مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

در یک جامعه، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر، به‌ویژه نظام فرهنگی اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد.

نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های جامعه باشد، نظام سیاسی، مقبولیت دارد؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های جامعه عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد. نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌های جامعه دور شود زمینه بحران‌های فرهنگی و هویتی را فراهم می‌سازد.

به‌نظر شما چه رابطه‌ای میان نظام اقتصادی و نظام سیاسی وجود دارد؟



■ شعار جمهوری فرانسه بر سردر یک کلیسا پس از قانون سال ۱۹۰۵ م مبنی بر جدایی دین از سیاست.



■ با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی، رایج شدند.

گفته شد که جامعه دارای هویت سیاسی است. جامعه با پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می‌کند. با چه ملاک‌هایی می‌توان نظام سیاسی را دسته‌بندی کرد و چه انواعی برای نظام سیاسی وجود دارد؟

نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی کرد.

■ **بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛** با این ملاک، نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد؛
- نظام‌هایی که در آنها اقلیتی تصمیم‌گیرنده هستند؛
- نظام‌هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند.

■ **بر اساس روش تصمیم‌گیری؛** با این ملاک، نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس خواسته‌ها و امیال خود تصمیم می‌گیرند، یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند.
- نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

■ **براساس دین‌مداری یا دنیامداری؛** نظام‌های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی دنیوی فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این‌جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ارسطو از دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می‌برد^۱. در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آنها باشد، دموکراسی می‌نامد. او حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می‌خواند. او بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می‌گذارد.

۱- دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها:

تعداد حاکمان	روش حکومت	
	براساس حقیقت و فضیلت	براساس خواست و میل حاکم
فرد	موناشری	استبدادی
اقلیت	آریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت	جمهوری	دموکراسی



■ آلیگارشی حکومت اقلیتی از سرمایه داران است که قدرت را در جهت منافع خود به کار می گیرند.



■ آریستوکراسی حکومت نخبگانی است که از امتیازات طبقاتی برخوردار بوده اند.



■ حکومت پاپ بر واتیکان و کلیسای جهانی کاتولیک از جمله حکومت های موناشری دانسته شده است.

فارابی در گونه شناسی نظام های سیاسی، ملاک سومی را نیز در نظر می گیرد. در دسته بندی فارابی از نظام های سیاسی، مدینه فاضله جامعه ای است که براساس قوانین الهی شکل می گیرد. او جوامعی را که آرمان ها و ارزش هایشان الهی و عقلانی نباشد جوامع جاهله می نامد و آنها را به اقسامی تقسیم می کند.

گفت و گو کنید

درباره تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسطو گفت و گو کنید.

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی چه تفاوت هایی با هم دارند؟

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته شده در دنیای امروز هستند. درباره این دو نظام سیاسی چه می دانید؟

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان هاست و دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است. لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می یابد. این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به رسمیت نمی شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

جمهوری اسلامی یا مردم سالاری دینی، نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان جمهوری در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه اسلامی نشان دهنده این است که فعالیت‌ها بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کنند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده الهی شکل می‌گیرند.

عبودیت، عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی، عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقای معرفت و آگاهی، از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی هستند.

در نگاه اسلامی، اغلب این ارزش‌ها با آنکه ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیر دنیوی ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ بنابراین، دستیابی به آنها وظیفه‌ای الهی است و نه تنها منجر به بهبود زندگی اجتماعی می‌شود بلکه مانند سایر عبادات، موجب تقرب انسان به خداوند نیز می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی عبادات هنگامی که بعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی روایات، مسئولیت متقابل امت و امام، مهم‌ترین مسئولیت دانسته شده است. امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی براساس ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعال باشد.

مقایسه کنید

حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراسی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟

مفاهیم اساسی

جمهوری اسلامی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– عدالت، استقلال، آزادی، عمران و آبادانی و تأمین
اجتماعی از جمله ارزش‌های جمهوری اسلامی هستند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

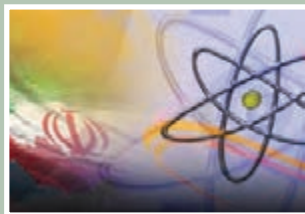
.....

.....

.....

.....

.....



ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

درس دهم

جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، شهری و روستایی، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند، چراکه جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن محسوب می‌شود.

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود جمعیت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند، اما آیا اندازه جمعیت به تنهایی برای بقا و رشد یک جامعه کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمسئول و بی تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

برای پی بردن به رابطهٔ جمعیت و هویت جامعه برخی از مطالب کتاب را مرور کنید. دانستید به مجموعه آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جامعه براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند و اینکه هویت هر جامعه براساس فرهنگ آن (عقاید و ارزش‌ها) شکل می‌گیرد. بسط و گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهدهٔ اعضای جامعه برمی‌آید. اعضای جامعه، حامل فرهنگ و عامل به آن هستند. هر چه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می‌یابد.

حالتی را تصور کنید که یک جامعه تمام اعضایش را از دست بدهد. آیا اثری از زندگی و بقا برای آن باقی می‌ماند؟ افزایش جمعیت یک جامعه زمینه‌ساز گسترش فرهنگ آن است. کاهش جمعیت یک جامعه نیز به محدود شدن گسترهٔ فرهنگ آن منجر می‌شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر آن جامعه را فراهم می‌آورد. از این‌رو تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله‌ای هویتی است.

بخوانیم و بدانیم



به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود «اسناد خانوادگی». درون پاکت شجره‌نامه‌ای به چشم می‌خورد. شجره‌نامه‌ای مثل همهٔ شجره‌نامه‌ها، که نشان می‌داد مثلاً ساموئل در سال ۱۸۲۷ متولد شده و در سال ۱۸۸۱ از دنیا رفته است، نام او با خطی به نام ماریا که همسر او بوده وصل شده بود و در زیر نام آن دو، خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرهایشان را نشان می‌داد و بعدنوه‌ها و نسل‌های بعدشان را. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر می‌کردم که این افراد که بوده‌اند، چگونه روزگار گذرانده‌اند و اصلاً زندگی‌شان چه فایده‌ای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتادم که در آنها به ترتیب نام افرادی نه‌چندان شناخته شده می‌آید و در نسل

هشتم به نام داوود عليه السلام می‌رسد و این گونه از او یاد می‌کند که «او پادشاهی بزرگ بود و برگزیده خداوند». فکر می‌کنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود، داوودی پدید نمی‌آمد. اگر اجداد من هم نبودند، من متولد نمی‌شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم، فرزندان و نوادگانم پا به این دنیا نمی‌گذاشتند. کسی چه می‌داند شاید هدف از تولد من، پیدایش کسی به بزرگی و سروری داوود در نسل‌های آینده من باشد. شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من آدمی بزرگ بشود. چه حس خوشایندی! حتی اگر کسی به یاد نیاورد که من که بوده‌ام و چه کرده‌ام، همین قدر که من معبری باشم برای گذر آیندگانی که شاید داوودی در میانشان باشد، کاری بزرگ است و البته بس دشوار. باید سعی کنم این دنیا را خراب نکنم؛ آن را اندکی اصلاح کنم و به بهتر از آنچه به من داده شده، تبدیل نمایم یا حداقل سعی کنم آن را خراب نکنم و دست‌نخورده تحویل آیندگان بدهم تا زندگی‌ام بی‌ثمر نبوده باشد. آن وقت، آیندگانم از من به نیکی یاد خواهند کرد؛ حتی اگر نامم را ندانند یا وقتی آن را در شجره‌نامه خانوادگی می‌بینند، به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

(چارلز هندی، همه کیمیاگریم)

هدف اسلام گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است؛ بنابراین اگر فرهنگی که با افزایش جمعیت بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد نه فرهنگ باطل و همچنین، افراد و اعضای آن فرهنگ حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است؛ بدین ترتیب هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ) در بسط و تداوم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کند.

آیا می‌دانید جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود چه می‌کنند؟ به نظر شما جامعه ما از نظر جمعیتی چه وضعیتی دارد؟

فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت از کارکردهای مهم خانواده است. ولی ممکن است در مواقعی اختلال در خانواده، جامعه را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به دلایلی مانند بالارفتن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌زدگی، مصرف‌گرایی و هزینه‌پنداشتن فرزندان، با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند.^۱

۱- قوام خانواده و فرزندآوری در گرو محبت، ایثار و فداکاری است. ولی با گسترش فردگرایی و اصالت لذت در جامعه، این محبت و ایثارگری کاهش می‌یابد که به فرزندآوری کمتر و کاهش جمعیت و فرو افتادن جامعه در چاله جمعیتی می‌انجامد.



■ سالمندی جمعیت، بحرانی است که اگر ظاهر شود، به سادگی علاج ندارد.

وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه‌حلهایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، در دو برهه زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد؛ یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و میزان رشد جمعیت از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت و دیگر بار، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت.

کاهش بیش از حد و کم‌سابقه رشد سالانه جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت. در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب شد که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی - اسلامی، فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های ایشان، برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و... توجه شده است.

بخوانیم و بدانیم

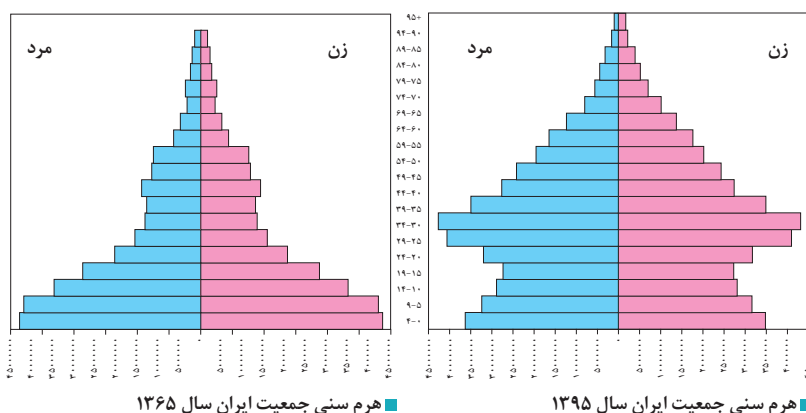
ایران ما به سوی سالمندی می‌رود. جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید و طبق پیش‌بینی‌های بین‌المللی، ساختار سنی جمعیت کشور ما در سال‌های بعد از ۱۴۳۰، از یک ساختار کاملاً جوان به یک ساختار سالخورده تبدیل خواهد شد. پیش‌بینی‌ها

نشان می‌دهد که سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۲۲ درصد برسد. درواقع بیشترین سهم در هرم سنی به این گروه اختصاص می‌یابد. اگر جمعیت بالای ۶۵ سال بیش از ۱۰ درصد جمعیت کل کشور باشد، کشور پیر محسوب می‌شود. این پدیده، یک زنگ خطر بزرگ برای آینده ماست!

پدیده مسن شدن جمعیت، تبعات فراوانی به همراه دارد. افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش هزینه‌ها را دربر دارد. این هزینه‌ها عمدتاً به هزینه‌های بهداشت و درمان مربوط می‌شود. برای ارائه خدمات و رفع نیازهای سالمندان، به اندازه کافی، نیروی جوان وجود نخواهد داشت. در سطح فردی نیز فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند، ناچارند به تنهایی تعهدات فرزندی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند. به نظر شما مسئله سالمندی جمعیت، برای کشور ما چه تبعات دیگری دارد؟

گفت‌وگو کنید

مقایسه روند تغییرات ساختار سنی جمعیت کشور به فاصله دهه ۶۰ تا دهه ۹۰



- در هرم سنی جمعیت ۱۳۹۵، قاعده هرم نسبت به سال ۱۳۶۵ کاملاً در حال جمع شدن است. از طرفی افزایش فوق‌العاده جمعیت گروه سنی ۲۵-۳۴ سال نیز کاملاً نمایان است.
- به نظر شما تداوم روند کاهشی رشد سالانه جمعیت، برای کشورمان در آینده چه آثار زیان‌باری در پی دارد؟
- برخی کارشناسان معتقدند کاهش جمعیت و فرزندآوری بیش از آنکه متأثر از عوامل اقتصادی باشد منشأ فرهنگی دارد. نظر شما چیست؟ گفت‌وگو کنید.

اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد، کم‌فروش، محترک، دلال و... هستند؛ ولی به دلیل ضدا ارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه، نشان‌دهنده هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا آنکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جوامع هم دارای هویت اقتصادی هستند؟ جوامع نیز هویت اقتصادی دارند از این‌رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند؛ مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم / شکننده؛ دستوری / غیردستوری؛ سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد امروز ما نتیجه رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی دستاوردهایی مانند گسترش بهره‌مندی مردم از آب، برق، گاز، ارتباطات و ایجاد زیرساخت‌هایی همچون سدها و نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت تولیدی، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحریم‌ها، گسترش روحیه انفاق و توجه به مستضعفان و محرومان را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی دست به گریبان بوده است.



■ چاه شماره یک، نام نخستین چاه نفت خاورمیانه است که در شهر مسجد سلیمان قرار دارد. عملیات حفاری آن در سال ۱۳۸۶ توسط کنسرسیوم دارسی آغاز شد و در ۱۳۸۷/۰۳/۵ به مخزن نفتی رسید.



■ مجتمع مینا، مجموعه‌ای صنعتی است که در زمینه مهندسی، نیروگاه‌های حرارتی، تولید برق، شیرین‌سازی آب، اجرای پروژه‌های نفت و گاز، تصویربرداری پزشکی و... فعالیت می‌کند. این مجتمع سازنده طیف گسترده‌ای از محصولات پیشرفته صنعتی در کلاس جهانی است.

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود اما اگر به‌درستی از آن استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است.

چنین اقتصادی به دلیل آنکه درآمدی هنگفت و بدون زحمت ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است. دولت بزرگی به‌وجود می‌آید که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار، رفاه اقتصادی را تأمین کند.

این وضعیت می‌تواند در کوتاه‌مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. وضعیت شکننده‌ای را به‌وجود می‌آورد که زمینه سوءاستفاده قدرت‌های جهانی را فراهم می‌آورد. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اتخاذ شده است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است. هویت انسان‌ها و جوامع بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. همچنین آنها هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود برنمی‌تابند و شیوه‌های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کنند.

بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب که از سویی اقتصاد را اساس همه‌چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام‌عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

در چنین موقعیتی، راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند.

اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات‌بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی-اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

حمایت از تولید ملی یکی از راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی است اما آیا به معنای خرید چشم بسته کالای داخلی با هر کیفیت و قیمتی است؟ نه. حمایت از تولید ملی یعنی کمک به صنعت کشور برای تولید کالایی با کیفیت و قیمت مناسب. ما، دولت و تولیدکنندگان هر کدام در این زمینه وظایفی داریم. دولت می تواند با ارائه تسهیلات به تولیدکننده، ممنوعیت واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، افزایش تعرفه های گمرکی بر کالاهای وارداتی و... از تولید ملی حمایت کند. تولیدکننده باید سودجویی و فرصت طلبی را کنار بگذارد و خدمت به مردم و جامعه را هدفی مهم بداند و... ما چگونه می توانیم از تولید ملی حمایت کنیم؟

شما تا به حال از کدام کالاهای ایرانی حمایت کرده اید؟ چگونه؟ به نظر شما چرا بعضی ترجیح می دهند کالای خارجی مصرف کنند؟ شاید در نگاه اول این طور به نظر برسد که شما هنوز در انتخاب کالاهای مصرفی در خانواده تان نقش چندانی ندارید اما اگر کمی بیشتر فکر کنید، می بینید که این طور نیست. به علاوه، شما می توانید درباره ضرورت حمایت از کالای ایرانی با اعضای خانواده تان گفت و گو کنید و مطالبی را که در این درس خوانده اید، با آنها در میان بگذارید.

مفاهیم اساسی

اقتصاد مقاومتی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– پیش از این کاهش جمعیت از جمله مسائل و مشکلات کشورهای غربی بود اما امروزه جامعه ما هم با این مسئله مواجه شده است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۹۳) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آل احمد، جلال (۱۳۹۶) غرب‌زدگی. تهران: کلک زرین.
- آقابخشی، علی اکبر و افشاری راد، مینو (۱۳۸۷) فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- ابرکرامبی، نیکولاس (۱۳۸۸) درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- ارسطو (۱۳۸۶) سیاست. ترجمه حمید عنایت. تهران: علمی و فرهنگی.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷) هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- برگر، پیتر (۱۳۷۵) ساخت واقعیت اجتماعی. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: علمی فرهنگی.
- بودن، ریمون (۱۳۸۷) مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- بودن، ریمون (۱۳۹۰) منطق کنش اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹) فاس شهر اسلام. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: حکمت.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲) جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی. ترجمه تورج یارمحمدی. تهران: شیرازه.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۱) مفاتیح‌الحیاه. قم: اسراء.
- دارندورف، رالف (۱۳۷۷) انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگه.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲) فارابی فیلسوف فرهنگ. تهران: ساقی.
- راسل، برتراند (۱۳۹۷) قدرت. ترجمه نجف دریابندری. تهران: خوارزمی.
- رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۶) واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه اسلامی. تهران: آفتاب توسعه
- روشه، گی (۱۳۶۷) کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی.
- سو، الوین (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۷) بازگشت به خویشتن. تهران: قومس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) آراء اهل مدینه فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: طهورا.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) سیاست مدنی. ترجمه جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فی، برایان (۱۳۸۱) فلسفه امروزی علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- کچونیان، حسین (۱۳۸۴) تطورات گفتمان‌های هویتی ایران. تهران: نی.
- کرامپتون، رزماری (۱۳۹۶) طبقه و قشربندی اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نی.
- کرایب، یان (۱۳۹۶) نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: آگه.

- کرایب، یان (۱۳۹۵) نظریه اجتماعی مدرن. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کوئن، بروس (۱۳۹۴) درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳) تجدد و شخص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- لگیت، مارلین (۱۳۹۲) زنان در روزگارشان. ترجمه نیلوفر مهدیان. تهران: نی.
- لیندولم، چارلز (۱۳۹۴) فرهنگ و هویت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالمعبود انصاری. تهران: سمت.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: روزنامه ایران.
- هندی، چارلز (۱۳۸۸) همه کیمیاگریم. ترجمه سعید قاضی طباطبایی. تهران: هرمس.
- هیوز، استوارت (۱۳۸۶) آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: علمی و فرهنگی.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب هویت اجتماعی - کد ۱۱۲۲۲۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	عبدالله عادل‌راد	بوشهر	۱۸	مهین ماندگاری	اصفهان
۲	نسرین عزیزیان	کردستان	۱۹	زهرا موسوی	خراسان رضوی
۳	لیلا شجاعی	خراسان جنوبی	۲۰	طلعت ابوطالبی	اصفهان
۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۲۱	صیاد گلشنی	آذربایجان غربی
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۲	عبدالله نجفی اصل	بوشهر
۶	افسانه عسگری	مرکزی	۲۳	بیژن کار دوست	همدان
۷	فرشته حیدریان	ایلام	۲۴	امران کیانی	قزوین
۸	سهیلا دباغی	همدان	۲۵	خدابخش چاکری	سیستان و بلوچستان
۹	نسرین درویشی	خوزستان	۲۶	پروین نیک‌زر	یزد
۱۰	محمد علیزاده	ایلام	۲۷	لیلا کاخکی	هرمزگان
۱۱	سیدبهنام میرافضل	خوزستان	۲۸	محبوبه نورانی	سمنان
۱۲	مژده قربانعلی‌زاده	گیلان	۲۹	ابراهیم حاج حسینی	هرمزگان
۱۳	علی عبدالله‌زاده	گیلان	۳۰	علی ایمانی	شهر تهران
۱۴	مریم اسماعیلی	خراسان شمالی	۳۱	زهرا خراسانی	قزوین
۱۵	محمدهادی نوابی فرد جهرمی	فارس	۳۲	اکبر جاهدی خسروشاهی	آذربایجان شرقی
۱۶	عزیزاله علی زاده	شهرستان‌های تهران	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران
۱۷	مریم یحیی‌زاده	اردبیل	۳۴	ولی آقا قلیزاده	اردبیل

معلّمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران – صندوق پستی ۴۸۷۴ – ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

